

اثر بخشی کمیته حسابرسی و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها: مطالعه نقش تعدیلی استراتژی‌های رهبری هزینه و تمایز

تاریخ دریافت: ۹۸/۸/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۷

■ یاسر رضائی پینه‌نوئی^۱■ محمد غلامرضا پور^۲■ نرجس امیرنیا^۳

چکیده:

کمیته‌های حسابرسی نقش بسزایی در برنامه‌ریزی مالیاتی شرکت‌ها و مدیریت ریسک مالیاتی ایفا می‌نمایند. از سوی دیگر کمیته‌های حسابرسی اثر بخش با درک مناسب از استراتژی تجاری شرکت بر مسائل گوناگون موجود در شرکت نظیر ارزیابی برنامه‌ریزی مالیاتی نظارت می‌کنند. لذا بر پایه این استدلال، پژوهش حاضر به بررسی رابطه بین اثر بخشی کمیته حسابرسی با میزان اجتناب مالیاتی شرکت‌ها و مطالعه اثر تعدیلی استراتژی تجاری با توجه به دو معیار آن یعنی رهبری هزینه و تمایز، بر این رابطه می‌پردازد. بدین منظور، برای سنجش اجتناب مالیاتی شرکت از سه معیار تفاوت دفتری مالیات، نرخ موثر مالیاتی و نرخ موثر مالیاتی جریان نقد عملیاتی و همچنین از دو معیار استراتژی رهبری هزینه و استراتژی تمایز برای اندازه‌گیری استراتژی تجاری استفاده گردید. فرضیه تحقیق نیز با استفاده از نمونه‌ای متشکل از ۴۷۰ سال - شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ و با استفاده از رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری مورد بررسی قرار گرفت. پس از اطمینان از برازش قابل قبول مدل‌های اندازه‌گیری و ساختاری پژوهش، یافته‌ها حاکی از آن است که اثر بخشی کمیته حسابرسی موجب کاهش اجتناب مالیاتی شرکت می‌گردد. علاوه بر این، نتایج نشان می‌دهد که استراتژی تجاری رابطه منفی بین اثر بخشی کمیته حسابرسی و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها را تعدیل می‌کند. بطوری که استراتژی رهبری هزینه (تدافعی)، بر رابطه بین اثر بخشی کمیته حسابرسی و اجتناب مالیاتی اثر گذار بوده و رابطه منفی بین آن‌ها را تشدید می‌کند. همچنین استراتژی تمایز (تهاجمی)، بر رابطه بین اثر بخشی کمیته حسابرسی و اجتناب مالیاتی اثر گذار بوده و رابطه منفی بین آن‌ها را تضعیف می‌کند.

واژگان کلیدی: اثر بخشی کمیته حسابرسی، اجتناب مالیاتی، استراتژی تجاری، استراتژی رهبری هزینه، استراتژی تمایز.

۱. استادیار حسابداری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران، نویسنده مسئول، ایمیل: rezaei.yasser@gmail.com

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حسابداری، ایمیل: mohammad.gh5736@gmail.com

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حسابداری، ایمیل: narjes.amirniya@yahoo.com

۱- مقدمه

محیط اطلاعاتی حسابداری در اقتصاد نوظهور ایران به گونه‌ای است که مالیات یکی از ارکان اثرگذار بر گزارشگری مالی به شمار می‌رود و اجتناب مالیاتی می‌تواند یکی از بزرگترین مشکلاتی باشد که سیستم مالیاتی با آن مواجه است (خواجهی و کیامهر، ۱۳۹۵؛ ۸۵). اجتناب مالیاتی یک نوع سوء استفاده رسمی از قوانین مالیاتی است و با یافتن راه‌های گریز از پرداخت مالیات در قوانین مالیاتی یا تلاش در جهت یافتن راه‌های قانونی به منظور کاهش میزان مالیات پرداختی مرتبط می‌باشد (ضیایی بیگدلی و طهماسبی بلداجی، ۱۳۸۳). مطالعات گذشته معتقدند که هر شرکتی نیازمند انجام میزان مطلوبی از اجتناب مالیاتی است تا به این ترتیب ارزش خود را به حداکثر برساند (آرمسترانگ و همکاران^۱، ۲۰۱۵؛ ۶، چن و همکاران^۲، ۲۰۱۰؛ ۵۱، مشایخی و علی پناه، ۱۳۹۴؛ ۶۰). با وجود این، یک جریان نوظهور در ادبیات، اجتناب مالیاتی را از منظر نمایندگی بررسی کرده‌اند و بیان می‌کنند که اجتناب مالیاتی هزینه‌هایی را نیز به شرکت تحمیل خواهد نمود و در صورت فقدان همسویی انگیزه و نظارت قوی، آنگاه مدیران شرکت‌ها ممکن است به جای به حداکثر رساندن ارزش سهامداران، اقدام به اجتناب مالیاتی نمایند (رگو و ویلسون^۳، ۲۰۱۲؛ ۷۸۵، دسای و دارامپالا^۴، ۲۰۰۶؛ ۱۵۵، صفری گرایلی و پودینه، ۱۳۹۵؛ ۱۰۶). عبارتی مطابق با نظریه نمایندگی، مدیران برای کسب منافع شخصی اقدام به اجتناب مالیاتی می‌کنند و اجتناب مالیاتی پیامد رفتار فرصت‌طلبانه مدیران است. به‌طوریکه، هرچه مسائل نمایندگی کمتر باشد، بروز چنین رفتارهایی نیز کاهش می‌یابد.

از سوی دیگر، مطالعات گذشته بر اهمیت کلی نقش نظارتی کمیته حسابرسی به عنوان ابزاری جهت کاهش مسائل نمایندگی تاکید داشته ولیکن معتقدند که کمیته حسابرسی به‌عنوان یکی از کمیته‌های فرعی هیئت مدیره، علاوه بر نظارت، وظیفه مشاوره به مدیریت را نیز برعهده دارند و به این ترتیب ضمن ارائه مشاوره تخصصی به مدیران جهت اخذ تصمیمات بهینه، مانع بروز رفتارهایی از سوی آنان می‌شوند که به ضرر سهامداران باشد (فاما و جنسن^۵، ۱۹۸۳؛ ۳۰۸، آدامز و فریرا^۶، ۲۰۰۷؛ ۲۲۴). کمیته حسابرسی علاوه بر ارتقاء سطح کیفی مکانیسم حاکمیت شرکتی می‌تواند باعث افزایش کیفیت گزارشگری مالی شود. مطابق با تحقیقات پیشین کمیته‌های حسابرسی نقش بسزایی در برنامه‌ریزی مالیاتی شرکت‌ها و مدیریت ریسک مالیاتی آنها ایفا می‌نمایند (دلویت^۷، ۲۰۱۴؛ دلویت، ۲۰۱۳؛ ریچاردسون و همکاران^۸، ۲۰۱۳؛ ۷۳). با توجه به گسترش دامنه نظارت کمیته حسابرسی به حوزه‌های پیچیده و ریسک‌پذیری نظیر

1. Armstrong et al
2. Chen et al
3. Rego & Wilson
4. Desai & Dharmapala
5. Fama & Jensen
6. Adams & Ferreira
7. Deloitte LLP
8. Richardson et al

مسائل مالیاتی، فناوری اطلاعات و جهانی‌سازی، لذا اهمیت اثربخشی کمیته حسابرسی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است (کی‌پی‌ام‌جی^۱، ۲۰۱۷؛ کی‌پی‌ام‌جی، ۲۰۱۵؛ صفری گرایلی و همکاران، ۱۳۹۶؛ ۵). بنابراین، انتظار می‌رود که مطابق نظریه نمایندگی افزایش اثربخشی کمیته حسابرسی، کاهش فعالیت‌های مربوط به اجتناب مالیاتی در شرکت‌ها را در پی داشته باشد. علاوه بر این، مطالعات اخیر نشان می‌دهد شرکت‌هایی که به دنبال حداقل کردن هزینه‌ها هستند، نسبت به شرکت‌هایی که به دنبال استراتژی فرصت‌های رشد بیشتر و نوآوری در تولید هستند، از اجتناب مالیاتی کمتری برخوردار هستند (دیانتی‌دیلمی و همکاران، ۱۳۹۴؛ ۱۳۰). در یک تعریف کلی، استراتژی را می‌توان جهت‌گیری کلی حرکت شرکت جهت رسیدن به وضعیت مطلوب در سطح ذهنی و مفهومی در نظر گرفت (اعرابی و رضوانی، ۱۳۸۶؛ ۷۶). چندین گونه‌شناسی برای طبقه بندی استراتژی تجاری وجود دارد که در طبقه‌بندی‌های مخصوص به هر نوع گونه‌شناسی، دو نوع استراتژی را می‌توان یافت که در مقابل هم قرار می‌گیرند، استراتژی که به دنبال حداقل کردن هزینه‌ها است و استراتژی که در پی انعطاف و ریسک بیشتر است.

اعضای هیئت مدیره، که کمیته حسابرسی نیز بخشی از آن محسوب می‌شود، نقش بسیار کلیدی در ایجاد و حفظ استراتژی تجاری شرکت و زیربنای کلی تصمیمات مدیریتی دارند (بایسینگر و هوکیسون^۲، ۱۹۹۰؛ ۷۵، میزروچی^۳، ۱۹۸۳؛ ۴۲۹). برای نیل به این مقصود، هیئت مدیره تلاش می‌کند تا بر اساس نوع استراتژی تجاری شرکت تصمیمات مناسب را اتخاذ نماید (بایسینگر و هوکیسون، ۱۹۹۰؛ ۷۶) و مشاوره، نظارت و ارزیابی مناسب از تصمیمات مدیران را در سطح کمیته انجام دهد (زهر و پیرس^۴، ۱۹۸۹؛ ۳۰۰). در درون ساختار کمیته حسابرسی نیز اعضای هیئت مدیره با تلفیق مهارت‌ها و تخصص‌های خود و همچنین درک عملیات‌ها و راهبردهای شرکت اقدام به ارزیابی مدیران و ارائه رهنمودهایی پیرامون مسائل شرکتی مربوط به حیطة کاری خود می‌نمایند (فویز و میلیکن^۵، ۱۹۹۹؛ ۴۹۲، زهر و پیرس، ۱۹۸۹؛ ۳۰۱). بنابراین، انتظار می‌رود که کمیته‌های حسابرسی اثربخش با تلفیق مهارت‌ها و تخصص‌های خود در کنار درک مطلوب از استراتژی تجاری شرکت، اقدام به اعمال نقش‌های نظارتی و مشاوره‌ای از جمله برنامه‌ریزی مالیاتی نمایند و توانایی مشاوره‌ای خود را در جهت کمک به برنامه‌ریزی مالیاتی مدافعان و از سوی دیگر، در راستای کمک به برنامه‌ریزی مالیاتی آینده‌نگران به کار گیرند. لذا انتظار بر این است که رابطه بین اثربخشی کمیته حسابرسی و اجتناب مالیاتی شرکت، تحت تأثیر استراتژی تجاری قرار گرفته و تعدیل گردد. با این وجود، در اغلب مطالعات داخلی صورت گرفته، این موضوع نادیده انگاشته شده و یک فضای خالی در ادبیات حسابداری، حسابرسی و مالیاتی برای تحقیق در این باره وجود دارد که این خود، انگیزه‌ای جهت انجام پژوهش حاضر می‌باشد.

1. KPMG LLP
2. Baysinger & Hoskisson
3. Mizruchi
4. Zahra & Pearce
5. Forbes & Milliken

لذا در این پژوهش سعی بر آن است که رابطه بین اثربخشی کمیته حسابرسی با اجتناب مالیاتی و همچنین اثر تعدیل‌کنندگی استراتژی تجاری بر این رابطه، مورد بررسی قرار گیرد. یافته‌های پژوهش ضمن آن که موجب بسط ادبیات نظری موجود در حوزه مالیاتی می‌شود، می‌تواند موجب درک بهتر سرمایه‌گذاران، قانون‌گذاران بازار سرمایه و تدوین‌کنندگان قوانین مالیاتی از تأثیر اثربخشی کمیته حسابرسی و استراتژی تجاری بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها گشته و اطلاعات سودمندی را در اختیار آن‌ها قرار داده و در امر تصمیم‌گیری آنان راهگشا باشد. در ادامه مقاله پس از بیان مبانی نظری و فرضیه، پیشینه پژوهش به بحث گرفته می‌شود و سپس روش پژوهش، مدل و متغیرهای پژوهش و یافته‌های پژوهش بیان شده و در نهایت با توجه به بحث و نتیجه‌گیری یافته‌ها، پیشنهادهای پژوهش ارائه می‌گردد.

۲- مبانی نظری و تدوین فرضیه پژوهش

۲-۱- اثربخشی کمیته حسابرسی و اجتناب مالیاتی

کمیته حسابرسی اثربخش، به عنوان عاملی تعیین‌کننده در ارکان راهبری بنگاه تلقی شده که انتظار می‌رود در راستای حفظ منافع گروه‌های مختلف استفاده‌کننده از اطلاعات حسابداری مؤثر واقع شود (فخاری و رضائی پیتنه‌نوئی، ۱۳۹۷؛ ۶۸). اعضای این کمیته با هیئت مدیره که مسئول حفظ منافع سهامداران است همکاری کرده و ایجاد و به‌کارگیری این کمیته در پیشگیری از وقوع اعمال خلاف غیرقانونی، بهبود فرآیند گزارشگری مالی و همچنین ارائه اطلاعات و گزارش‌های مالی شفاف و قابل‌اتکا مؤثر است (علوی و قائمی، ۱۳۹۶؛ ۱۳۲). علاوه بر این تحقیقات اخیر (احمدحاجی^۱، ۲۰۱۵؛ ۷۶۲، حبیب و عظیم^۲، ۲۰۰۸؛ ۱۷۴) نشان می‌دهد که وجود کمیته حسابرسی اثربخش می‌تواند نقش مؤثری در بهبود سیستم اطلاعاتی و ایجاد اطمینان از معتبر بودن گزارش‌های مالی شرکت داشته باشد. اثربخشی کمیته حسابرسی به روش‌های مختلف و در زمینه‌های مختلفی تعریف شده است. به‌عنوان مثال، کالبرز و فوگارتی^۳ (۱۹۹۳) آن را به عنوان "صلاحیتی که با آن کمیته حسابرسی مسئولیت‌های نظارتی مشخص شده‌اش را انجام می‌دهد" تعریف کردند. از سوی دیگر، ریتنبرگ و نیر^۴ (۱۹۹۳) بیان کردند که "یک کمیته حسابرسی اثربخش کمیته‌ای است که مسئولیت‌هایش را بطور کامل انجام دهد". ژانگ و همکاران^۵ (۲۰۰۷) نیز بیان می‌کنند که کمیته حسابرسی اثربخش می‌تواند با بررسی فرآیندها و کنترل‌های حسابداری در کنار پرسنل حسابداری و مالی، مستقیماً در نظارت بر کنترل‌های شرکت دخالت کند. وقتی ضعف‌های عمده شناسایی شوند، احتمال اتخاذ یک رویکرد مستقل و گفتگو با حسابرسان داخلی و مستقل پیرامون چگونگی اصلاح ضعف‌های عمده توسط یک کمیته

1. Ahmed Haji
2. Habib & Azim
3. Kalbers & Fogarty
4. Rittenberg & Nair
5. Zhang et al

حسابرسی اثربخش بیشتر است. همچنین، با دنبال کردن پیشنهادات برای بهبود کنترل‌های داخلی و نظارت دقیق توسط یک کمیته حسابرسی اثربخش، احتمالاً اصلاح ضعف‌های عمده با سرعت بیشتری صورت می‌پذیرد (ژانگ و همکاران، ۲۰۰۷). در همین راستا، فراتحلیل انجام شده توسط لین و هوآنگ^۱ (۲۰۱۰) بیانگر آن بود که ویژگی‌های مختلف کمیته حسابرسی شامل: استقلال، تخصص مالی، اندازه و جنسیت اعضای کمیته می‌توانند باعث اثربخشی بهتر کمیته حسابرسی شوند و فرصت بسیار کمی به مدیریت جهت هرگونه تقلب خواهند داد و اطلاعات حسابداری باکیفیت خوب با حداقل خطا گزارش خواهد شد. لذا ترکیب و ساختار کمیته‌های حسابرسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و ترکیب کمیته حسابرسی، محرک اصلی اثربخشی است (تختایی و همکاران، ۱۳۹۰؛ ۴۹، محمدیان، ۱۳۹۰؛ وانگ و همکاران^۲، ۲۰۱۶؛ ۲۴۲۰).

استقلال کمیته حسابرسی سنگ بنای اثربخشی کمیته حسابرسی است. جمیسن و اُکلی^۳ (۱۹۸۳) معتقدند کمیته حسابرسی که تمامی اعضای آن را مدیران مستقل تشکیل می‌دهند، مولفه حیاتی حاکمیت شرکتی به حساب می‌آید. کمیته کادبری^۴ (۱۹۹۲) در گزارشی تأکید می‌کند که کمیته حسابرسی باید از مدیران غیراجرایی (مستقل) تشکیل شود تا در تصمیم‌گیری‌های مهم بتواند به‌طور مستقل اظهارنظر نماید. همچنین، مدیران مستقل جهت اطمینان از تصمیم‌های مدیران اجرایی در جهت منافع سهامداران تلاش می‌کنند (ویسباچ^۵، ۱۹۸۸؛ ۴۴۰، ویر و لاینگ^۶، ۲۰۰۱؛ ۸۸، به نقل از عبدالله و همکاران^۷، ۲۰۱۴؛ ۹۰۰). کلین^۸ (۲۰۰۲) استدلال می‌کند اعضای کمیته حسابرسی باید مستقل باشد تا بتواند از منازعات بین مدیران و حساب‌رسان مستقل جلوگیری کند. استقلال کمیته حسابرسی در جهت اطمینان حاصل کردن از یکپارچگی فرایند گزارشگری مالی نقش قابل توجهی ایفا می‌کند، زیرا امکان دارد مدیریت در جهت منافع شخصی خود اطلاعات حسابداری را دستکاری نماید. بنابراین کمیته حسابرسی مستقل می‌تواند از درستی و منصفانه‌بودن صورت‌های مالی اطمینان حاصل کند (جفری و همکاران^۹، ۲۰۱۱؛ ۱۳۳).

تخصص و مهارت اعضای کمیته حسابرسی، یکی دیگر از ویژگی‌های کمیته حسابرسی است که با اثربخشی کمیته حسابرسی ارتباط تنگاتنگی دارد. اعضای کمیته حسابرسی برای انجام موثر وظایف خود در منشور باید تخصص مالی داشته باشند و این تخصص فراتر از آشنایی صرف با صورت‌های مالی است (فخاری و رضائی پشته‌نوئی، ۱۳۹۶؛ ۸۹). کمیته بلوریبون^{۱۰} (۱۹۹۸) معتقد است، تخصص مالی کمیته حسابرسی منجر به افزایش اثربخشی آن می‌شود. قانون ساکس در

1. Lin & Hwang
2. Wang et al
3. Jemison & Oakley
4. Cadbury Committee
5. Weisbach
6. Weir & Laing
7. Abdullah et al
8. Klein
9. Jeffrey et al
10. Blue Ribbon Committee

سال ۲۰۰۲ هیئت‌مدیره شرکت‌ها را ملزم به ایجاد کمیته حسابرسی از بین مدیران مستقل و گنجاندن حداقل یک کارشناس مالی در آن کرده است (عبدالله و همکاران، ۲۰۱۴؛ ۹۰۱). در ایران نیز بر اساس منشور کمیته حسابرسی، اکثریت اعضای کمیته بایستی دارای تخصص مالی باشند (سازمان بورس و اوراق بهادار، ۱۳۹۱).

منون و ویلیامز^۱ (۱۹۹۴) معتقدند که اندازه اعضای کمیته حسابرسی، یکی از شاخص‌های داشتن کمیته‌ای مؤثر و کارآمد است. کمیته حسابرسی بزرگ، قدرت لازم، تنوع تخصص و آراء را دارد که این مقوله منجر به افزایش اطمینان از نظارت مناسب می‌گردد (بدراد و همکاران^۲، ۲۰۰۴؛ ۳۰). تعداد اعضای کمیته حسابرسی می‌تواند با توجه به عواملی مانند اندازه شرکت و ماهیت عملیات آن، از شرکتی به شرکت دیگر متفاوت باشد. کمیته بلوریون (۱۹۹۹) اشاره می‌نماید که پیچیدگی و موضوعات مالی و حسابداری که اعضای کمیته حسابرسی با آن مواجه می‌باشند، تمرکز مدیران کمیته حسابرسی را محدود کرده و زمان بسیار زیادی از آن‌ها را برای درک این موارد می‌گیرد. به همین دلیل، این کمیته تأکید می‌کند که کمیته حسابرسی باید حداقل با سه عضو تشکیل شود (آمر و همکاران^۳، ۲۰۱۴). در ایران نیز بر اساس ماده ۵ منشور کمیته حسابرسی سازمان بورس و اوراق بهادار ایران (۱۳۹۱)، اندازه کمیته حسابرسی شامل سه تا پنج عضو می‌باشد که اکثریت آن‌ها مستقل و دارای تخصص مالی هستند که با انتخاب هیئت مدیره تشکیل می‌شوند.

تنوع جنسیتی در بین اعضای کمیته حسابرسی، یکی از ویژگی‌های اصلی کمیته حسابرسی در بهبود سیستم‌های نظام راهبری است (برناردی و همکاران^۴، ۲۰۰۲؛ ۶۱۲). زنان توانایی اتخاذ تصمیمات باکیفیت‌تری دارند و احتمال به چالش کشیدن فرآیندهای تصمیم‌گیری رایج توسط آن‌ها نیز بیشتر است. همچنین، احتمال شرکت زنان در تصمیم‌گیری‌های مشارکتی نیز بیشتر است (چن و همکاران، ۲۰۱۶؛ ۱۵). از دیدگاه تئوری نمایندگی، تفاوت‌های جنسیت ممکن است اثربخشی کمیته حسابرسی را کاهش دهد. در مقابل استدلال فوق، مخالفان تئوری نمایندگی معتقدند که حضور زنان و تفاوت جنسیت در ترکیب کمیته حسابرسی می‌تواند کمیته حسابرسی را به منظور بررسی طیف گسترده‌ای از موضوعات حسابداری کمک کند و از این رو منجر به کاهش فرصت تقلب و ارائه نادرست صورت‌های مالی گردد (گیول و همکاران^۵، ۲۰۱۱؛ ۳۲۰). پژوهش‌های گذشته در مورد تنوع جنسیت، نشان می‌دهد که زنان از لحاظ مالی محافظه کارتر، از لحاظ اخلاقی موظف‌تر و ریسک‌گریزتر از مردان می‌باشند (لوین و همکاران^۶، ۱۹۹۳؛

1. Menon & Williams

2. Bedard et al

3. Amer et al

4. Bernardi et al

5. Gul et al

6. Levin et al

پاول و انیسک^۱، (۱۹۹۷). کارتر و همکاران^۲ (۲۰۰۳) نیز بیان کردند که تنوع جنسیتی منابع با اهمیت را برای کمیته‌ها مانند اطلاعات، سرمایه انسانی و مهارت‌ها که درک بازار، خلاقیت و نوآوری را تقویت می‌نمایند، افزایش می‌دهد و در نتیجه منجر به بهبود عملکرد کمیته‌های نظارتی و گزارشگری می‌گردد.

بنابراین کمیته حسابرسی نیاز اساسی هر واحد اقتصادی است که مطابق با تئوری نمایندگی می‌تواند حافظ قابل اعتماد منافع استفاده کنندگان اطلاعات حسابداری و گزارش‌های مالی، به ویژه سرمایه‌گذاران به‌عنوان تامین‌کنندگان اصلی سرمایه باشد. لذا می‌توان بیان کرد در شرکت‌های دارای کمیته حسابرسی اثربخش، با کاهش هزینه نمایندگی و تشویق شرکت‌ها و مدیران آن‌ها به افشای بهتر اطلاعات، مسائل نمایندگی و رفتار فرصت طلبانه مدیران کاهش می‌یابد. (ژیا و همکاران^۳، ۲۰۱۷؛ ۳۷۹). از سوی دیگر مطابق با نظریه نمایندگی، مدیران برای کسب منافع شخصی اقدام به اجتناب مالیاتی می‌کنند و اجتناب مالیاتی پیامد رفتار فرصت طلبانه مدیران است. به‌طوریکه، هرچه مسائل نمایندگی کمتر باشد، بروز چنین رفتارهایی نیز کاهش می‌یابد (دسایبی و دارماپالا، ۲۰۰۶؛ ۱۵۷). براین اساس، انتظار می‌رود که افزایش اثربخشی کمیته حسابرسی موجب کاهش فعالیت‌های مربوط به اجتناب مالیاتی شرکت‌ها شود. ژنگ و همکاران^۴ (۲۰۱۹) نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که وجود کمیته حسابرسی و ویژگی‌های آن باعث کاهش اجتناب مالیاتی شرکت‌ها می‌شود. لذا با توجه به موارد مطروحه، فرضیه اول به صورت زیر بیان می‌گردد:

فرضیه اول: اثربخشی کمیته حسابرسی باعث کاهش اجتناب مالیاتی شرکت می‌شود.

۲-۲- استراتژی تجاری، اثربخشی کمیته حسابرسی و اجتناب مالیاتی

کمیته حسابرسی به‌عنوان کمیته فرعی هیئت‌مدیره شناخته می‌شود که از طرفی مسئول ایجاد استراتژی‌های مناسب برای بهبود سلامت مالی شرکت است (بنسال و شارما^۵، ۲۰۱۶؛ ۱۰۴) و از سوی دیگر وظیفه دارد تا درباره فعالیت‌های خود به هیئت‌مدیره پاسخگو باشد (محمدپور و شهرابی، ۱۳۹۳). بنابراین، اگر کمیته حسابرسی تصویر مطلوبی از صورت‌های مالی در برابر اعضای هیئت‌مدیره و مدیرعامل ارائه دهد، جایگاه بهتری برای اتخاذ استراتژی‌های موثر در جهت افزایش عملکرد شرکت خواهد داشت (بنسال و شارما، ۲۰۱۶؛ ۱۰۳).

اصطلاح استراتژی تجاری به انتخاب شرکت‌ها برای رقابت در محیط بازار اطلاق می‌گردد (مایلز و همکاران^۶، ۱۹۷۸؛ ۵۵۴). همچنین، استراتژی تجاری انعکاسی از اقدامات و تصمیمات

1. Powell & Anisc
2. Carter et al
3. Xia et al
4. Zheng et al
5. Bansal & Sharma
6. Miles et al

یک شرکت برای درک و سازگاری با محیط و پیدا کردن جایگاه مطلوب در بازار به منظور نیل به بالاترین سطح عملکردی است (پورتر^۱، ۱۹۸۰). چندین طبقه‌بندی برای استراتژی تجاری وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از گونه‌شناسی مایلز و اسنو^۲ (۱۹۷۸)، پورتر (۱۹۹۶) و میلر^۳ (۱۹۸۷) (دیانتی‌دیلمی و همکاران، ۱۳۹۴؛ ۱۴۰). در این میان دو نوع استراتژی را می‌توان یافت که در مقابل هم قرار می‌گیرند. استراتژی که به دنبال حداقل نمودن هزینه‌ها است (استراتژی تدافعی) و استراتژی که در پی انعطاف و ریسک بیشتر است (استراتژی تهاجمی). راهبرد تجاری مدافعان درصدد است تا با ارائه مجموعه محدودی از کالاها یا خدمات و در نتیجه محدود ساختن انتخاب‌های مشتریان در بازارهای بزرگ اقدام به رقابت در محیط بازار نماید. این شرکت‌ها به دنبال این هستند تا با ارائه قیمت‌های رقابتی و افزایش تدریجی سهم خود از بازارهای فعلی از این طریق حاکمیت خود بر محیط بازار را تثبیت نمایند. مدافعان با تمرکز بر روی حوزه‌های با ثبات و قابل دفاع بازار و همچنین تلاش برای تولید اثربخش و مقرون به صرفه کالاها و خدمات، به برنامه‌ریزی با دقت، ریسک‌گریزی و اجتناب از وقوع تردید تاکید دارند. از سوی دیگر، آینده‌نگران، که در نقطه مقابل مدافعان قرار دارند، تمایل به رقابت از طریق شناسایی و تولید محصولات جدید و فرصت‌های نوین در بازار دارند. این شرکت‌ها با ایجاد نوآوری در تولید و توسعه بازار درصدد تسلط بر بازار هستند. از منظر اینگونه شرکت‌ها، ایجاد و حفظ یک وجهه مطلوب در قالب یک شرکت نوآور اهمیت بیشتری از سودآور بودن دارد. آینده‌نگران همواره ریسک‌پذیر و منعطف، و البته سازگار با محیط بازار هستند، که این مسئله امکان واکنش سریع به فرصت‌های جدید و تغییر مواضع رقابتی را به آنها می‌دهد. در مقایسه با مدافعان، آینده‌نگران دغدغه کمتری نسبت به کاهش هزینه‌ها دارند و تمرکز خود را بیشتر معطوف به آزمایش و نوآوری می‌کنند (زهره و پیرس، ۱۹۹۰؛ ۷۶۵).

شرکت‌هایی که به دنبال حداقل کردن هزینه‌ها هستند، نسبت به شرکت‌هایی که به دنبال استراتژی فرصت‌های رشد بیشتر و نوآوری در تولید هستند، از اجتناب مالیاتی پایین‌تری برخوردار هستند. این موضوع حاکی از این است که اگر فعالیت‌های اجتناب مالیاتی منجر به صرفه جویی مالیاتی گردد، برای این نوع شرکت‌ها هزینه و نااطمینانی که از افزایش اجتناب مالیاتی ناشی می‌شود، بیش از مزایای ناشی از اجتناب مالیاتی است (دیانتی‌دیلمی و همکاران، ۱۳۹۴؛ ۱۴۱). بنابراین، نوع استراتژی که شرکت اتخاذ می‌کند بر میزان اجتناب مالیاتی شرکت اثرگذار است. بطوری که انتظار می‌رود که مدیران شرکت‌های مدافع در مقایسه با مدیران سایر شرکت‌ها محافظه‌کارتر باشند و حساسیت بیشتری نیز نسبت به مسئله تردید در اجتناب مالیاتی، اختیارات مسئولین مالیاتی در وضع جرائم مالیاتی و همچنین آسیب احتمالی به وجهه آنها در اثر افشای مشارکت آنها در فعالیت‌های اجتناب مالیاتی داشته باشند. در نتیجه، مدیران شرکت‌های مدافع تمایل بیشتری به صرف نظر کردن از فعالیت‌های اجتناب مالیاتی پرخطر و پرهزینه حتی

1. Porter
2. Miles & Snow
3. Miller

در شرایطی دارند که احتمال انتفاع سهامداران از فعالیت اجتناب مالیاتی آنها وجود داشته باشد. بالعکس، پیروی از راهبرد آینده‌نگران باعث می‌شود که شرکت‌ها ضمن اتخاذ رویکرد تهور رقابتی و ریسک‌پذیری وارد عرصه انجام فعالیت‌های اجتناب مالیاتی شوند. به علاوه، آینده‌نگران علاقه چندانی به انجام یک برنامه‌ریزی رسمی ندارند، و این مسئله باعث می‌شود که آنها اهمیت چندانی به بررسی دقیق هزینه‌ها و عواید برنامه‌ریزی مالیاتی ندهند چراکه آنها خود تمایل به انجام فعالیت‌های اجتناب مالیاتی پریسک‌تر دارند. مدیران شرکت‌های آینده‌نگر حساسیت کمتری نسبت به عدم قطعیت‌های پیرامون اجتناب مالیاتی دارند و در مقابل از آستانه تحمل بالاتری در برابر نگرانی‌های ناشی از جریمه‌های مالیاتی یا آسیب‌های ناشی از افشای تخلفات مالیاتی جدی به وجهه آنها برخوردارند. بنابراین، مدیران اینگونه شرکت‌ها رفتار مالیاتی متهورانه‌تری از خود نشان می‌دهند (هسو و همکاران^۱، ۲۰۱۸؛ ۱۳۰۲).

در همین راستا هیگینز و همکاران^۲ (۲۰۱۵) به بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی و نوع راهبرد تجاری شرکت پرداختند و در نهایت دریافتند که آینده‌نگران (ریسک‌پذیرترها) بیشتر از مدافعان اقدام به اجتناب مالیاتی و اتخاذ ریسک می‌کنند. این یافته‌ها حاکی از این هستند که ویژگی‌های مختلف هر یک از این راهبردهای تجاری نظیر توجه راهبردی، تحمل ریسک، و ساختار سازمانی بر عملکرد مدیران در تجزیه و تحلیل هزینه‌ها و عواید برنامه‌ریزی مالیاتی تأثیرگذار هستند. از سوی دیگر، هسو و همکاران (۲۰۱۸) دریافتند که کمیته‌های حسابرسی اثربخش نقش مشاوره‌ای بسزایی (تشویق به اجتناب مالیاتی) در شرکت‌های مدافع و در مقابل، نقش نظارتی مهمی در حوزه مشابه در شرکت‌های آینده‌نگر (تشویق به عدم اجتناب مالیاتی) ایفا می‌کنند. بر این اساس، انتظار می‌رود که استراتژی تهاجمی (تمایز) رابطه بین اثربخشی کمیته حسابرسی و اجتناب مالیاتی را کاهش دهد و استراتژی تدافعی (رهبری هزینه) رابطه بین اثربخشی کمیته حسابرسی و اجتناب مالیاتی را افزایش دهد.

با توجه به دلایل فوق، چنین استدلال می‌شود که رابطه اثربخشی کمیته حسابرسی و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های با استراتژی تجاری تدافعی متفاوت از شرکت‌های استراتژی تجاری تهاجمی است. بدین ترتیب، فرضیه دوم و سوم پژوهش به صورت زیر بیان می‌گردد:

فرضیه دوم: در شرکت‌هایی با استراتژی تجاری تدافعی، تأثیر منفی اثربخشی کمیته حسابرسی بر اجتناب مالیاتی به مراتب بیشتر است.

فرضیه سوم: در شرکت‌هایی با استراتژی تجاری تهاجمی، تأثیر منفی اثربخشی کمیته حسابرسی بر اجتناب مالیاتی به مراتب کمتر است.

۳-۲- پیشینه پژوهش

ژنگ و همکاران (۲۰۱۹) تأثیر کمیته حسابرسی بر پرخاشگری مالیاتی را در شرکت‌های

1. Hsu et al

2. Higgins et al

چینی مورد بررسی قرار دادند. نمونه آماری این پژوهش شامل ۱۰۵۳۲ شرکت-سال مشاهده طی سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۶ بوده و با بهره‌گیری از مدل‌های رگرسیون چند متغیره، یافته‌های پژوهش حاکی از آن است شرکت‌هایی که کمیته حسابرسی را تشکیل دادند از پرخاشگری مالیاتی کمتری برخوردار بودند. علاوه بر این، با بررسی تأثیر استقلال، تخصص و اندازه کمیته حسابرسی بر پرخاشگری مالیاتی، نتایج بیانگر آن بود که استقلال، تخصص و اندازه کمیته حسابرسی با پرخاشگری مالیاتی همبستگی منفی دارند. بنتلی و همکاران^۱ (۲۰۱۹) اثر استراتژی تجاری بر محیط اطلاعاتی شرکت را در بازار سرمایه استرالیا مورد مطالعه قرار دادند و با انتخاب نمونه‌ای متشکل از ۱۵۰۰۵ شرکت-سال مشاهده طی سال‌های ۲۰۰۹-۱۹۹۷ دریافتند که استراتژی تجاری شرکت‌ها بر کیفیت محیط اطلاعاتی آن‌ها اثرگذار است. هسو و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان اجتناب مالیاتی، تخصص مالی کمیته حسابرسی و استراتژی تجاری و با انتخاب نمونه‌ای متشکل از ۹۶۷۰ شرکت-سال مشاهده از بازار سرمایه چین طی سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۰۴ دریافتند که کمیته‌های حسابرسی اثربخش نقش مشاوره‌ای بسزایی (تشویق به اجتناب مالیاتی) در شرکت‌های مدافع و در مقابل، نقش نظارتی مهمی در حوزه مشابه در شرکت‌های آینده‌نگر (تشویق به عدم اجتناب مالیاتی) ایفا می‌کنند. چن و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی نقش تعدیلی استراتژی تجاری در شرکت‌های غیر مالی بر رابطه غیرخطی مسئولیت‌پذیری و عدم مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت و عملکرد مالی را بررسی نمودند. نتایج پژوهش با بررسی نمونه‌ای متشکل از ۶۷۱۵ شرکت-سال در بازار سرمایه آمریکا بیانگر اثبات رابطه یو شکل فرضیه پژوهش و همچنین نقش تعدیلی استراتژی‌های رهبری هزینه و تمایز بر این رابطه بود. گایا و همکاران^۲ (۲۰۱۷) تأثیر مالکیت خانوادگی بر اجتناب مالیاتی با نقش تعدیلی کیفیت حسابرسی را مورد بررسی نمودند. آن‌ها براساس نمونه‌ای متشکل از ۵۵ شرکت تونسی از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۳ و با استفاده از مدل‌های رگرسیون چند متغیره مبتنی بر تکنیک داده‌های تلفیقی (پنل) نشان دادند که بین مالکیت خانوادگی و اجتناب مالیاتی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد و همچنین کیفیت حسابرسی رابطه بین مالکیت خانوادگی و اجتناب مالیاتی را تعدیل می‌کند. لی و همکاران^۳ (۲۰۱۶) با انتخاب نمونه‌ای بین‌المللی از شرکت‌های ۳۱ کشور به بررسی ارتباط کیفیت حسابرسی و اجتناب مالیاتی پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد در کشورهایی که حفاظت از سرمایه‌گذاران قوی‌تر، خطر محاکمه حساب‌رسان بالاتر، محیط حسابرسی بهتر و فشار بازار سرمایه بالاتر است، رابطه منفی بین کیفیت حساب‌رسان و اجتناب مالیاتی وجود دارد. هیگینز و همکاران (۲۰۱۵) تأثیر استراتژی تجاری بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها را مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش با بررسی نمونه‌ای متشکل از ۲۹۳۲۴ شرکت-سال نشان داد که شرکت‌های تدافعی نسبت به شرکت‌های تهاجمی، از اجتناب مالیاتی کمتری برخوردارند. گالمور و لاپرو^۴

1. Bentley-Goode et al

2. Gaaya et al

3. Lee et al

4. Gallemore & Labro

(۲۰۱۵) ارتباط بین اهمیت محیط اطلاعاتی داخلی و اجتناب مالیاتی شرکت‌های آمریکایی طی سال‌های ۱۹۹۴ تا ۲۰۱۰ را مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش نشان داد که شرکت‌های دارای کیفیت اطلاعات داخلی بالاتر از اجتناب مالیاتی کمتری برخوردارند. جیمز و اسکات^۱ (۲۰۱۴) در پژوهشی با بررسی ۴۱۴۹ شرکت-سال طی سال‌های ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۱، رابطه بین تضاد نمایندگی را با اجتناب مالیاتی شرکت‌ها مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که تضاد نمایندگی به طور معناداری با اجتناب مالیاتی رابطه دارد. لانیس و ریچاردسون^۲ (۲۰۱۲) در پژوهشی ارتباط بین مسئولیت اجتماعی و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها را مورد بررسی قرار دادند. در این پژوهش ۴۰۸ شرکت استرالیایی طی سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۰۹ مورد بررسی قرار گرفت. نتیجه پژوهش مبین آن است که افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، سطح اجتناب مالیاتی آن‌ها را کاهش می‌دهد.

ودیعی نوقایی و همکاران (۱۳۹۸) با نمونه‌ای متشکل از ۹۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی بازه زمانی ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۵ به بررسی نقش تعدیل‌گر کیفیت حسابرسی بر ارتباط بین اثربخشی کمیته حسابرسی و مدیریت سود پرداختند. نتایج بدست آمده از فرضیه‌های پژوهش نشان داد هنگامی که یک کمیته حسابرسی اثربخش با یک حسابرس متخصص در صنعت در تعامل هستند، احتمال کاهش مدیریت سود وجود دارد. همچنین نتایج حاکی از آن است که اثر تعدیل‌گر اندازه موسسه حسابرسی بر اثربخشی کمیته حسابرسی و مدیریت سود تأثیر معناداری دارد و هنگامیکه یک کمیته حسابرسی اثربخش با دوره تصدی حسابرس در تعامل است احتمال کاهش مدیریت سود وجود دارد. رضائی پیتونه‌نوئی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با استفاده از رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری به بررسی رابطه بین اعتماد اجتماعی با میزان اجتناب مالیاتی شرکت و مطالعه اثر تعدیل‌کنندگی (جایگزینی یا مکمل) حاکمیت شرکتی بر این رابطه پرداختند. یافته‌های پژوهش آنان حاکی از آن بود که اعتماد اجتماعی موجب کاهش اجتناب مالیاتی شرکت می‌گردد. علاوه بر این مطابق با پیش‌بینی نظریه جایگزینی، نتایج نشان می‌دهد که حاکمیت شرکتی رابطه منفی بین اعتماد اجتماعی و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها را تضعیف می‌کند. داداشی و نوروزی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان ارائه مدلی برای تبیین اثربخشی کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی مبتنی بر معادلات ساختاری، دریافتند که اثربخشی کمیته حسابرسی، کیفیت حسابرسی مستقل را افزایش می‌دهد. صفری گرایی و همکاران (۱۳۹۶) پژوهشی تحت عنوان ارائه مدلی برای تبیین اثربخشی کمیته حسابرسی و محتوای ارزشی اطلاعات حسابداری با انتخاب نمونه‌ای متشکل از ۱۰۳ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۴ انجام دادند. نتایج پژوهش حاکی از آن بود که اثربخشی کمیته حسابرسی، مربوط بودن ارزش سود (محتوای ارزشی اطلاعات سود و زیان) و مربوط بودن ارزش دفتری هر سهم (محتوای ارزشی اطلاعات ترازنامه) را افزایش می‌دهد.

1. James & Scott

2. Lanis & Richardson

آقایی و همکاران (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان اهمیت محیط اطلاعات داخلی برای اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام دادند، نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که بین دقت پیش‌بینی سود مدیران و اجتناب از پرداخت مالیات رابطه مثبت برقرار می‌باشد. دیانتی دیلمی و همکاران (۱۳۹۴) طی پژوهشی به بررسی رابطه بین استراتژی تجاری و سطح اجتناب مالیاتی شرکت پرداختند و به این نتیجه رسیدند که شرکت‌هایی که بدنبال حداقل کردن هزینه‌ها هستند، نسبت به شرکت‌هایی که بدنبال فرصت رشد بیشتر و نوآوری در تولید هستند، از اجتناب مالیاتی پایین‌تری برخوردارند. تنانی و محب‌خواه (۱۳۹۳) در پژوهشی رابطه بین استراتژی کسب و کار با کیفیت سود و بازده سهام شرکت‌های بوری را مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که میزان مدیریت سود در شرکت‌های تدافعی نسبت به شرکت‌های تهاجمی بیشتر است.

۳- روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی بوده و در زمره تحقیقات توصیفی حسابداری به‌شمار می‌رود. علاوه بر این، به لحاظ معرفت‌شناسی از نوع تجربه‌گرا، سیستم استدلال آن قیاسی-استقرایی و به لحاظ نوع مطالعه میدانی-کتابخانه‌ای با استفاده از اطلاعات تاریخی به‌صورت پس‌رویدادی (یعنی استفاده از اطلاعات گذشته) می‌باشد. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش را شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۶ تشکیل می‌دهد و نمونه انتخابی تحقیق نیز شرکت‌هایی می‌باشند که مجموعه شرایط زیر را دارا باشند:

- ۱- شرکت‌هایی که تاریخ پذیرش آن‌ها در سازمان بورس اوراق بهادار قبل از سال ۱۳۹۲ بوده و تا پایان سال ۱۳۹۶ نیز در فهرست شرکت‌های بوری باشند.

- ۲- کمیته حسابرسی را طبق دستورالعمل کنترل داخلی بورس اوراق بهادار تهران از سال ۱۳۹۲ تشکیل داده باشند.

- ۳- به منظور افزایش قابلیت مقایسه، سال مالی آنها منتهی به پایان اسفند ماه باشد.

- ۴- طی سال‌های مذکور تغییر فعالیت یا تغییر سال مالی نداده باشند.

- ۵- جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی نباشند (شرکت‌های سرمایه‌گذاری به علت تفاوت ماهیت فعالیت با بقیه شرکت‌ها در جامعه آماری منظور نشدند).

پس از اعمال محدودیت‌های فوق تعداد ۹۴ شرکت به عنوان نمونه آماری پژوهش انتخاب شدند. داده‌های مورد نیاز شرکت‌های منتخب با مراجعه به صورت‌های مالی و یادداشت‌های توضیحی همراه صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران موجود در سامانه کدال، پایگاه اینترنتی بورس اوراق بهادار و نیز از نرم‌افزار ره‌آورد نوین استخراج گردید. تجزیه و تحلیل نهایی داده‌های گردآوری شده نیز با استفاده از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری و نرم‌افزار PLS صورت گرفته است. مراحل انجام مدل‌سازی معادلات ساختاری بدین ترتیب است که ابتدا به بررسی برازش مدل (شامل برازش مدل‌های اندازه‌گیری، برازش مدل

ساختاری و برازش مدل کلی) و سپس به آزمون فرضیه‌های پژوهش پرداخته می‌شود.

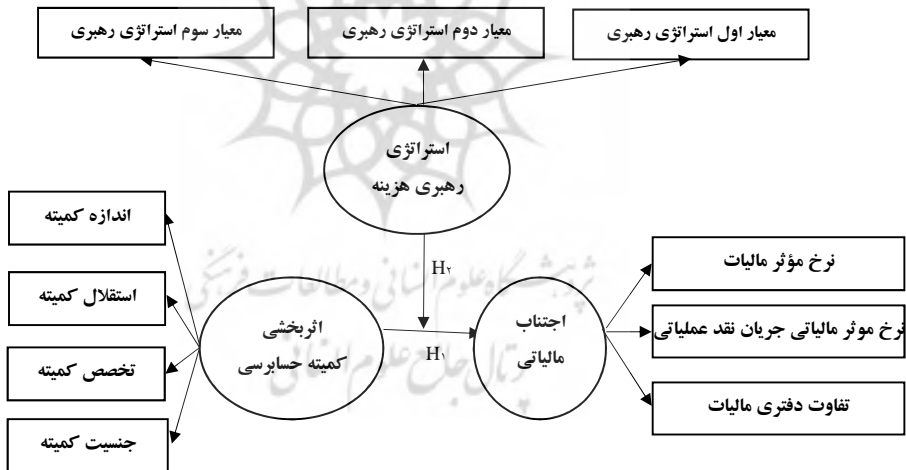
۳-۱- مدل مفهومی و متغیرهای پژوهش

با توجه به مبانی نظری تحقیق، آزمون فرضیه‌های پژوهش بر اساس رابطه (۱) و (۲) بیان شده و چارچوب مدل مفهومی پژوهش حاضر بر اساس رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری در شکل‌های (۱) و (۲) ترسیم شده است.

$$TA = \beta_0 + \beta_1 ACEFF + \beta_2 CL + \beta_3 ACEFF * CL + \varepsilon \quad (۱)$$

که در رابطه (۱)، TA: اجتناب مالیاتی؛ ACEFF: اثر بخشی کمیته حسابرسی؛ CL: استراتژی رهبری هزینه؛ ACEFF*CL: اثر تعاملی استراتژی رهبری هزینه بر اثر بخشی کمیته حسابرسی شرکت و ε ، جزء خطا می‌باشد.

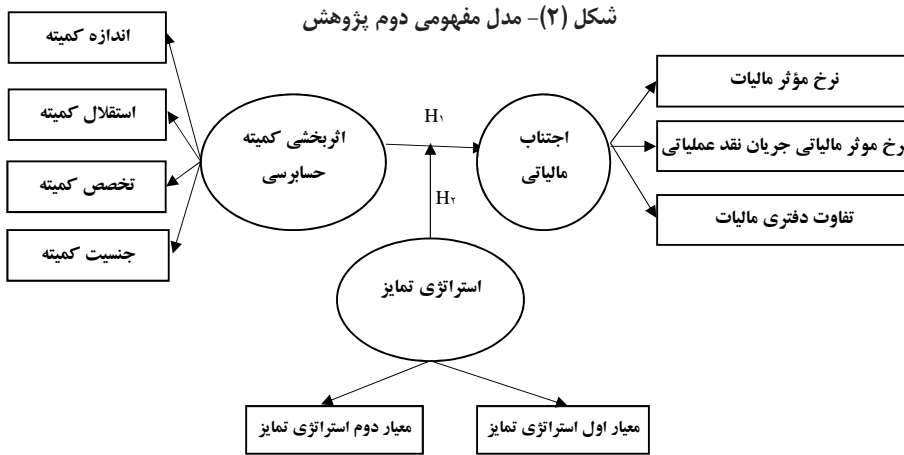
شکل (۱) - مدل مفهومی اول پژوهش



* منبع: یافته‌های پژوهشگر

$$TA = \beta_0 + \beta_1 ACEFF + \beta_2 DIF + \beta_3 ACEFF * DIF + \varepsilon \quad (۲)$$

که در رابطه (۲) نیز، TA: اجتناب مالیاتی؛ ACEFF: اثر بخشی کمیته حسابرسی؛ DIF: استراتژی تمایز؛ ACEFF*DIF: اثر تعاملی استراتژی تمایز بر اثر بخشی کمیته حسابرسی شرکت و ε ، جزء خطا می‌باشد.



* منبع: یافته‌های پژوهشگر

متغیر مستقل

متغیر مستقل پژوهش حاضر، اثربخشی کمیته حسابرسی (ACEFF) است که برای اندازه‌گیری آن از سنجه‌های مشاهده پذیر زیر استفاده شده است.

اندازه کمیته حسابرسی (ACSIZE): اندازه کمیته حسابرسی بیانگر تعداد کل اعضای کمیته حسابرسی است که می‌تواند تأثیر سازنده‌ای بر کمیته حسابرسی داشته باشد. کمیته‌های حسابرسی بزرگ شامل اعضای با تخصص‌های متنوع به صورت مؤثرتری بر شیوه‌های گزارشگری مالی نظارت دارند (فخاری و رضائی پیتونه‌نوئی، ۲۰۱۷؛ ۵۹۹).

استقلال کمیته حسابرسی (ACIND): استقلال کمیته حسابرسی اغلب به عنوان ویژگی ضروری تأثیرگذار بر اثربخشی کمیته حسابرسی در فرآیند نظارت بر گزارشگری مالی در نظر گرفته می‌شود زیرا اعضای کمیته مدیران خارجی و مستقل از مدیریت هستند. اهمیت استقلال کمیته حسابرسی در اکثریت توصیه‌ها و قوانین برای تشکیل اجباری کمیته حسابرسی منعکس می‌شود، که توصیه یا الزام می‌کنند که اکثریت اعضای کمیته حسابرسی باید از مدیران غیرموظف باشند (فخاری و همکاران، ۱۳۹۴). در پژوهش حاضر برای سنجش استقلال کمیته حسابرسی از نسبت اعضای مستقل کمیته به تعداد کل اعضای کمیته حسابرسی استفاده شده است (فخاری و رضائی پیتونه‌نوئی، ۲۰۱۷؛ ۶۰۰).

تخصص مالی کمیته حسابرسی (ACEXPT): مطالعات قبلی نشان دادند که خبرگی و مهارت اعضای کمیته در امور حسابداری و مالی، اثربخشی کمیته حسابرسی را بیشتر می‌کند (کالبرز و فوگارتی، ۱۹۹۳؛ ۴۵، پوچتا-مارتینز و دیفونتنس^۱، ۲۰۰۷؛ ۱۴۰۶). به عقیده کمیته تردیوی^۲

1. Pucheta-Martinez et al

2. Treadway Commission

(۱۹۸۷) خبرگی کمیته حسابرسی یک عامل تعیین‌کننده در مؤثر بودن کمیته حسابرسی است. در این پژوهش برای سنجش تخصص مالی کمیته حسابرسی از نسبت اعضای کمیته حسابرسی دارای تخصص مالی و حسابداری به تعداد کل اعضای کمیته حسابرسی شرکت استفاده شده است (فخاری و رضائی پیتنه‌نوئی، ۲۰۱۷؛ ۶۰۰، فخاری و رضائی پیتنه‌نوئی، ۱۳۹۶؛ ۱۰۴). جنسیت کمیته حسابرسی (ACGENDER): ویژگی‌های مرتبط با بانوان مانند ذات پرسش‌گر، مهارت‌های ارتباطی، تعهد به وظیفه و تصمیم‌گیری‌های منصفانه و اخلاق مدارانه برای داشتن یک حاکمیت شرکتی اثرگذار ضروری بوده و احتمالاً می‌تواند اثربخشی کمیته حسابرسی را در اجرای سیاست‌ها و حاکمیت هیئت‌مدیره افزایش دهد (آلدامن^۱، ۲۰۱۸؛ ۶۹). در این پژوهش جنسیت کمیته حسابرسی یک متغیر دو ارزشی صفر و یک است و چنانچه حداقل یک زن در کمیته حسابرسی وجود داشته باشد برابر یک و در غیر این صورت صفر خواهد بود (فخاری و رضائی پیتنه‌نوئی، ۲۰۱۷، ۶۰۱).

متغیر وابسته

اجتناب مالیاتی (TA) به‌عنوان متغیر وابسته پژوهش حاضر در نظر گرفته شده که برای اندازه‌گیری آن از سه سنجه زیر استفاده شده است. اولین سنجه مبتنی بر نرخ موثر مالیاتی شرکت (ETR) است که اشاره به نسبت کل هزینه مالیات به درآمد قبل از مالیات دارد. این اندازه‌گیری به طور گسترده‌ای در مطالعات اخیر (لانیس و ریچاردسون، ۲۰۱۱؛ ۱۰۰، مینیک و نگا^۲، ۲۰۱۰؛ ۷۱۰، چن و همکاران، ۲۰۱۰؛ ۵۵، گایا و همکاران، ۲۰۱۷؛ ۷۳۹، ژیا و همکاران، ۲۰۱۷؛ ۳۸۷)، استفاده شده است. نرخ موثر مالیاتی یک معیار مناسب برای ارزیابی رفتار اجتناب از مالیات شرکت‌ها به دلایل مختلف است. نرخ موثر مالیاتی می‌تواند هر نوع کاهش مالیات را از طریق پناهگاه‌های مالیاتی و نقاط ضعف موجود در قوانین مالیاتی شناسایی کند (دیرنگ و همکاران^۳، ۲۰۱۷؛ ۴۵۸). نرخ موثر مالیاتی یک تابع معکوس از اجتناب مالیاتی است، زیرا مقادیر کمتر نرخ موثر مالیات، به دخالت بیشتری در اجتناب مالیات شرکت‌ها اشاره دارد (فرانک و همکاران^۴، ۲۰۰۹؛ ۴۸۷). از آنجا که هر چه نرخ موثر مالیاتی شرکت کمتر باشد، میزان اجتناب مالیاتی آن شرکت بیشتر است، لذا نرخ‌های مالیاتی محاسبه شده، در عدد منفی یک (-۱) ضرب می‌شود.

دومین سنجه اجتناب مالیاتی، نرخ موثر مالیاتی جریان نقد عملیاتی (CFETR) می‌باشد و از نسبت کل هزینه مالیات به جریان‌های نقدی حاصل از فعالیت‌های عملیاتی محاسبه می‌شود (لانیس و ریچاردسون، ۲۰۱۱؛ ۱۰۱؛ ریچاردسون و همکاران، ۲۰۱۳؛ ۸۰). این اندازه‌گیری بر اساس اطلاعاتی از صورت جریان وجوه نقد است که می‌تواند تأثیر مدیریت سود را نادیده بگیرد

1. Aldamen et al
2. Minnick& Noga
3. Dyreng et al
4. Frank et al

حذف کند) (چن و همکاران، ۲۰۱۴؛ ۳۷). از آنجا که هر چه نرخ موثر مالیاتی جریان نقد عملیاتی شرکت کمتر باشد، میزان اجتناب مالیاتی آن شرکت بیشتر است، لذا نرخ‌های مالیاتی محاسبه شده، در عدد منفی یک (-۱) ضرب می‌شود.

سومین سنجه اجتناب مالیاتی، تفاوت دفتری مالیات (BTD) از طریق تفاوت بین سود حسابداری (سود قبل از مالیات) و سود مشمول مالیات شرکت بدست می‌آید که سود مشمول مالیات نیز از تقسیم هزینه مالیات بر نرخ مالیات قانونی محاسبه می‌گردد. به‌منظور همگن سازی، این متغیر بر ارزش دفتری کل دارایی‌ها تقسیم شده است (ویلسون^۱، ۲۰۰۹؛ ۹۸۴، لین و همکاران^۲، ۲۰۱۴؛ ۲۳۷).

متغیر تعدیل‌گر

متغیر تعدیل‌گر مورد استفاده در این پژوهش، استراتژی تجاری شرکت می‌باشد که به پیروی از یاماگاکا و همکاران^۳ (۲۰۱۱) و چن و همکاران (۲۰۱۸) برای اندازه‌گیری آن از دو معیار زیر استفاده می‌شود:

معیار اول استراتژی رهبری هزینه (CL) می‌باشد. رهبری هزینه به کمک سه متغیر مشاهده‌پذیر نسبت اثربخشی هزینه (CL_۱) که حاصل نسبت بهای تمام شده کالای فروش رفته به کل فروش است، شدت سرمایه (CL_۲) که حاصل نسبت کل دارایی‌ها به کل فروش است و مخارج سرمایه‌ای (CL_۳) که حاصل نسبت خالص ماشین‌آلات و تجهیزات به کل فروش است، محاسبه می‌شود؛ بطوری که هر چه مقدار این نسبت‌ها در شرکتی کمتر باشد، نشان‌دهنده این است که شرکت استراتژی رهبری هزینه را در پیش گرفته است.

معیار دوم استراتژی تمایز (dif) می‌باشد که به کمک دو متغیر مشاهده‌پذیر نسبت هزینه‌های اداری، عمومی و فروش شرکت به کل فروش (dif_۱) و همچنین نسبت مخارج تحقیق و توسعه به کل فروش (dif_۲) محاسبه می‌شود؛ بطوری که هر چه مقدار این نسبت‌ها در شرکتی بیشتر باشد، نشان‌دهنده این است که شرکت استراتژی تمایز را در پیش گرفته است.

۴- یافته‌های پژوهش

۴-۱- آمار توصیفی

جدول (۱)، آمار توصیفی متغیرهای مورد آزمون که شامل برخی شاخص‌های مرکزی و پراکندگی می‌باشد را برای نمونه‌ای متشکل از ۴۷۰ سال - شرکت مشاهده در فاصله زمانی بین سال‌های ۱۳۹۶-۱۳۹۲ نشان می‌دهد.

1. Wilson et al
2. Lin et al
3. Yamakawa et al

جدول (۱) - آمار توصیفی مربوط به متغیرهای تحقیق

متغیر	نماد متغیر	میانگین	میانه	حداقل	حداکثر	انحراف معیار
نرخ مؤثر مالیات	ETR	-۰/۱۱۳	-۰/۱۳۲	-۰/۳۱۸	۰	۰/۰۸۸
نرخ مؤثر مالیات جریان نقد عملیاتی	CFETR	-۰/۲۱۳	-۰/۱۰۵	-۳/۹۴۴	۰	۰/۴۶۱
تفاوت دفتری مالیات	BTD	۰/۰۴۸	۰/۰۲۸	-۰/۲۸۹	۰/۴۹۳	۰/۰۹۵
اندازه کمیته حسابرسی	ACSIZE	۳/۱۶۸	۳	۳	۵	۰/۵۵۴
استقلال کمیته حسابرسی	ACIND	۰/۷۱۶	۰/۶۶۷	۰	۱	۰/۱۹۷
تخصص کمیته حسابرسی	ACEXPT	۰/۷۵۱	۰/۶۶۷	۰	۱	۰/۲۵۳
معیار اول استراتژی رهبری هزینه	CL1	-۰/۷۴۳	-۰/۷۷۸	-۱/۱۶۴	-۰/۲۴۷	۰/۱۷۲
معیار دوم استراتژی رهبری هزینه	CL2	-۱/۳۲۴	-۱/۲۴۵	-۳/۹۸۸	-۰/۱۴۶	۰/۶۷۳
معیار سوم استراتژی رهبری هزینه	CL3	-۰/۴۲۳	-۰/۲۵۸	-۲/۸۸۵	-۰/۰۲۷	۰/۴۴۳
معیار اول استراتژی تمایز	DIF1	۰/۰۶۹	۰/۰۵۸	۰/۰۰۳	۰/۷۷۲	۰/۰۶۱
معیار دوم استراتژی تمایز	DIF2	۰/۰۰۱	۰	۰	۰/۰۵۴	۰/۰۰۳
متغیر	نماد متغیر	درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی		مد
جنسیت کمیته حسابرسی	AC GENDER	۱۰/۴۳٪		۸۹/۵۷٪		۰

* منبع: یافته‌های پژوهشگر

همان‌گونه که در این جدول ملاحظه می‌شود، مقدار میانگین متغیر تفاوت دفتری مالیات (۰/۰۴۸)، حاکی از آن است که به‌طور متوسط سود قبل از مالیات شرکت‌ها بیشتر از سود مشمول مالیات آن‌ها است. میانگین نرخ مؤثر مالیاتی نیز حدود ۱۱ درصد بوده که با توجه به نرخ قانونی مالیات بر عملکرد شرکت‌های بورسی (۲۲/۵ درصد)، می‌توان گفت به‌طور کلی وضعیت مالیاتی شرکت‌ها با سیاست‌های مالیاتی سازگار نیست. همچنین، در ارتباط با متغیر کمیته حسابرسی می‌توان گفت که اکثر شرکت‌های نمونه دارای ۳ عضو در کمیته حسابرسی خود می‌باشند و نزدیک به ۷۵ درصد از اعضای کمیته حسابرسی دارای تخصص مالی می‌باشند. علاوه بر این تقریباً در ۱۰ درصد از شرکت‌های نمونه، زنان در کمیته حسابرسی عضویت داشته‌اند و در ارتباط با استقلال کمیته حسابرسی می‌توان گفت که اکثر شرکت‌های نمونه دارای کمیته حسابرسی مستقل بوده‌اند. میانگین معیارهای اول تا سوم استراتژی رهبری هزینه نیز به‌ترتیب -۰/۷۴۳، -۱/۳۲۴ و -۰/۴۲۳ است که بیشتر از مقادیر گزارش شده در پژوهش چن و همکاران (۲۰۱۸)

می‌باشد. همچنین میانگین معیارهای اول و دوم استراتژی تمایز به ترتیب ۰/۰۶۹ و ۰/۰۰۱ است که کمتر از مقادیر گزارش شده در پژوهش چن و همکاران (۲۰۱۸) می‌باشد. این موضوع بیانگر آن است که شرکت‌های نمونه در این مطالعه بیشتر از استراتژی رهبری هزینه پیروی می‌کنند تا استراتژی تمایز.

۴-۲- برآزش مدل‌های اندازه‌گیری

در برآزش مدل‌های اندازه‌گیری از سه معیار پایایی، روایی همگرا و روایی واگرا استفاده می‌شود. پایایی نیز از سه طریق، سنجش بارهای عاملی، آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی بررسی می‌گردد. مقدار ملاک برای مناسب بودن ضرایب بارهای عاملی، ۰/۴ می‌باشد (هولاند، ۱۹۹۹). با توجه به جدول (۲)، تمامی ضرایب بارهای عاملی از ۰/۴ بیشتر است که بیانگر مناسب بودن مدل‌های اندازه‌گیری مورد استفاده در این پژوهش می‌باشد.

جدول (۲) - بار عاملی هر یک از متغیرهای آشکار پژوهش

سازه‌ها	عنوان در مدل	زیر سازه	بار عاملی اول	بار عاملی دوم
اثر بخشی کمیته حسابرسی	ACEFF	ACSIZE ACIND ACEXPT ACGENDER	۰/۶۶۵ ۰/۸۴۹ ۰/۸۳۹ ۰/۷۰۲	۰/۶۶۵ ۰/۸۵۱ ۰/۸۴۲ ۰/۶۹۷
اجتناب مالیاتی	TA	ETR CFETR BTD	۰/۸۲۵ ۰/۸۵۰ ۰/۴۴۸	۰/۸۳۹ ۰/۸۳۶ ۰/۴۴۹
استراتژی رهبری هزینه	CL	CL ₁ CL ₂ CL ₃	۰/۶۴۴ ۰/۹۴۶ ۰/۹۱۱	--- --- ---
استراتژی تمایز	DIF	DIF ₁ DIF ₂	--- ---	۰/۷۵۴ ۰/۹۲۲

* منبع: یافته‌های پژوهشگر

ضرایب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی نیز در صورتی که بالاتر از ۰/۷ باشد، حاکی از پایایی مناسب مدل می‌باشند (داوری و رضازاده، ۱۳۹۳). با توجه به جدول (۳) مقادیر مربوط برای تمامی سازه‌ها بالاتر از ۰/۷ بوده که نشان‌دهنده پایایی مناسب مدل‌های اندازه‌گیری پژوهش است.

جدول (۳) - ضرایب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی متغیرهای پنهان

متغیرهای پنهان	عنوان در مدل	مدل اول		مدل دوم	
		ضریب پایایی ترکیبی	ضریب آلفای کرونباخ	ضریب پایایی ترکیبی	ضریب آلفای کرونباخ
اثر بخشی کمیته حسابرسی	ACEFF	۰/۷۶۷	۰/۸۵۰	۰/۷۶۷	۰/۸۵۱
اجتناب مالیاتی	TA	۰/۷۷۳	۰/۷۶۳	۰/۷۷۳	۰/۷۶۴
استراتژی رهبری هزینه	CL	۰/۷۹۴	۰/۸۷۹	---	---
استراتژی تمایز	DIF	---	---	---	۰/۸۲۹

* منبع: یافته‌های پژوهشگر

روایی همگرا، ابزار دیگری برای بررسی مدل‌های اندازه‌گیری است. روایی همگرا با استفاده از معیار AVE (میانگین واریانس استخراجی)، میانگین واریانس به اشتراک گذاشته شده بین هر سازه با متغیرهای (شاخص‌ها) خود را نشان می‌دهد. فورنل و لارکر^۱ (۱۹۸۱) مقدار بحرانی برای این معیار را ۰/۵ معرفی نموده‌اند؛ بدین معنی که مقدار AVE بیشتر از ۰/۵ روایی همگرای قابل قبول را نشان می‌دهد (داوری و رضازاده، ۱۳۹۳). همان‌گونه که در جدول (۴) ملاحظه می‌شود، میانگین واریانس استخراجی برای تمامی متغیرهای پنهان، بیشتر از ۰/۵ بوده که بیانگر روایی همگرای مناسب مدل است.

جدول (۴) - میانگین واریانس استخراجی (AVE) متغیرهای پنهان

متغیرهای پنهان	عنوان در مدل	مدل اول		مدل دوم	
		میانگین واریانس استخراجی	Community	میانگین واریانس استخراجی	Community
اثر بخشی کمیته حسابرسی	ACEFF	۰/۵۹۰	۰/۵۹۰	۰/۵۹۰	۰/۵۹۰
اجتناب مالیاتی	TA	۰/۵۳۴	۰/۵۳۴	۰/۷۱۰	۰/۷۱۰
استراتژی رهبری هزینه	CL	۰/۷۱۳	۰/۷۱۳	---	---
استراتژی تمایز	DIF	---	---	۰/۷۳۵	۰/۷۳۵

* منبع: یافته‌های پژوهشگر

روایی واگرا، سومین معیار بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری است که میزان همبستگی

1. Fornell & Larcker

بین شاخص‌های یک سازه با آن سازه در مقابل همبستگی بین آن شاخص‌ها با سازه‌های دیگر را مقایسه می‌کند. با توجه به جدول (۵)، مقدار جذر میانگین مقادیر اشتراکی متغیرهای پنهان در پژوهش حاضر که در خانه‌های موجود در قطر اصلی ماتریس قرار گرفته‌اند، از مقدار همبستگی میان آن‌ها که در خانه‌های زیرین و چپ قطر اصلی ترتیب داده شده‌اند، بیشتر است. این بدان معناست که هر سازه در مدل تحقیق نسبت به دیگر سازه‌ها با شاخص‌های خود در تعامل بیشتری است. این موضوع، روایی و اگرایی مناسب و برازش مناسب مدل‌های اندازه‌گیری پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول (۵) - ماتریس فورنل و لاکر جهت بررسی روایی و اگرایی

مدل اول			
سازه‌ها	اثر بخشی کمیته حسابرسی	اجتناب مالیاتی	استراتژی رهبری هزینه
اثر بخشی کمیته حسابرسی	۰/۷۶۸		
اجتناب مالیاتی	۰/۵۸۸	۰/۷۳۱	
استراتژی رهبری هزینه	۰/۶۱۶	۰/۵۴۶	۰/۷۱۳
مدل دوم			
سازه‌ها	اثر بخشی کمیته حسابرسی	اجتناب مالیاتی	استراتژی تمایز
اثر بخشی کمیته حسابرسی	۰/۷۶۸		
اجتناب مالیاتی	۰/۵۹۳	۰/۷۳۴	
استراتژی تمایز	۰/۶۶۹	۰/۵۷۲	۰/۸۴۲

* منبع: یافته‌های پژوهشگر

با توجه به نتایج پایایی، روایی همگرا و روایی واگرا مشاهده می‌شود که مدل‌های اندازه‌گیری مدل معادلات ساختاری پژوهش به نحوی مطلوب، توانایی اندازه‌گیری متغیرهای پنهان پژوهش را دارند. لذا، در ادامه برازش مدل ساختاری پژوهش بررسی می‌گردد.

۳-۴- برازش مدل ساختاری

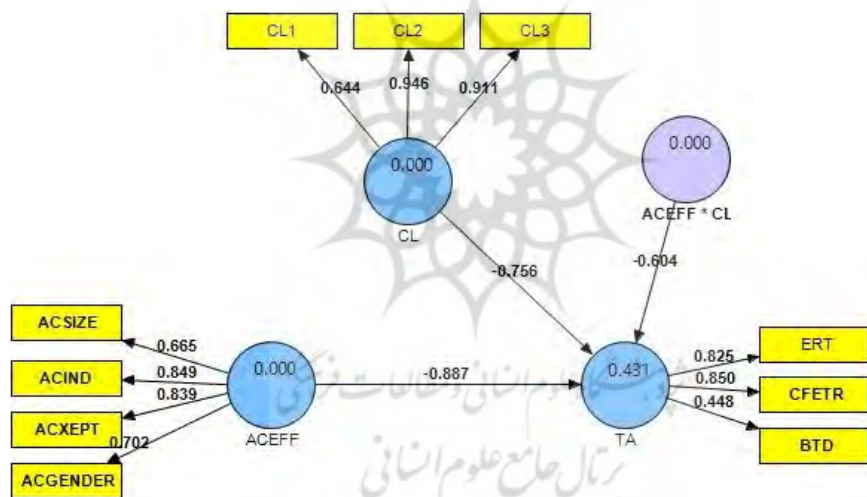
بخش مدل ساختاری بر خلاف مدل‌های اندازه‌گیری تحقیق، به متغیرهای آشکار کاری ندارد، بلکه تنها متغیرهای پنهان تحقیق همراه با روابط میان آن‌ها بررسی می‌شود. اولین معیار برای بررسی برازش مدل ساختاری در یک پژوهش، ضرایب R^2 مربوط به متغیرهای درون‌زا (وابسته) مدل است. R^2 معیاری است که نشان‌دهنده تأثیر یک متغیر برون‌زا بر یک متغیر درون‌زا بوده و سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ به عنوان مقدار ملاک برای مقادیر

communalities: میانگین مقادیر اشتراکی متغیرهای پنهان و R^2 : میانگین مقادیر ضریب تعیین متغیرهای درون‌زای مدل است. سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ به ترتیب به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF در نظر گرفته می‌شود. با توجه به این که مقدار بدست آمده برای مدل اول پژوهش، ۰/۲۶۴ و برای مدل دوم پژوهش، ۰/۲۷۹ است؛ لذا برازش بسیار مناسب مدل‌های کلی تحقیق تایید می‌گردد.

۴-۵- نتایج آزمون فرضیه‌ها

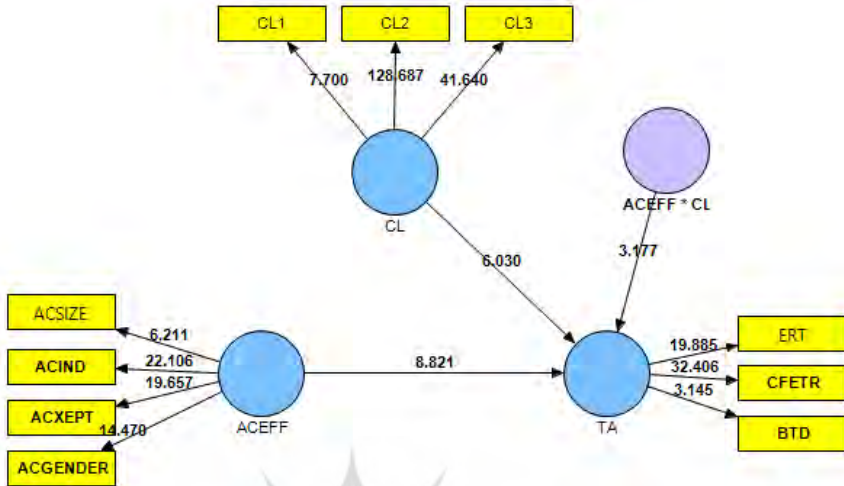
پس از بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری و مدل ساختاری و داشتن برازش مناسب مدل کلی و با توجه به شکل‌های (۳)، (۴)، (۵) و (۶) به بررسی نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش پرداخته می‌شود که نتایج آن در جدول (۸) ارائه شده است:

شکل (۳)- مدل اول پژوهش همراه با ضریب استاندارد شده مسیر



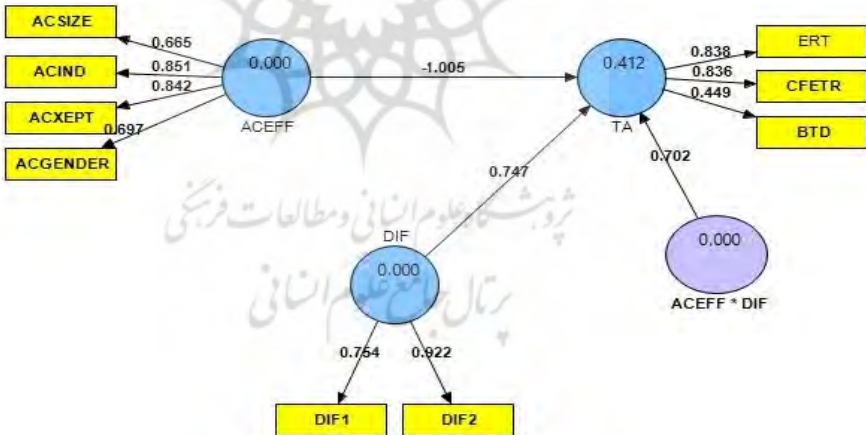
* منبع: یافته‌های پژوهشگر

شکل (۴) - مدل اول پژوهش همراه با مقادیر t-values



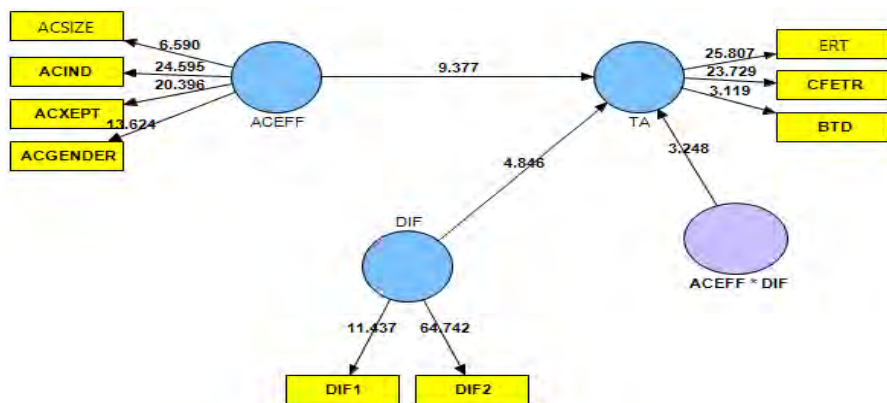
* منبع: یافته‌های پژوهشگر

شکل (۵) - مدل دوم پژوهش همراه با ضریب استاندارد شده مسیر



* منبع: یافته‌های پژوهشگر

شکل (۶) - مدل دوم پژوهش همراه با مقادیر t-values



* منبع: یافته‌های پژوهشگر

جدول (۸) - نتایج مربوط به آزمون فرضیه‌های پژوهش

نتیجه آزمون فرضیه	آماره t	ضریب مسیر	علامت اختصاری	مسیر
عدم رد فرضیه	۸/۸۲۱	-۰/۸۸۷	ACEFF ---> TA	اثربخشی کمیته حسابداری ---> اجتناب مالیاتی
	۹/۳۷۷	-۱/۰۰۵	ACEFF ---> TA	اثربخشی کمیته حسابداری ---> اجتناب مالیاتی
عدم رد فرضیه	۳/۱۷۷	-۰/۶۰۴	ACEFF * CL ---> TA	اثربخشی کمیته حسابداری × استراتژی رهبری هزینه ---> اجتناب مالیاتی
عدم رد فرضیه	۳/۲۴۸	۰/۷۰۲	ACEFF * DIF ---> TA	اثربخشی کمیته حسابداری × استراتژی تمایز ---> اجتناب مالیاتی

* منبع: یافته‌های پژوهشگر

همان‌طور که در جدول فوق ملاحظه می‌شود، ضریب‌های مسیر بین اثربخشی کمیته حسابداری و اجتناب مالیاتی شرکت، منفی (-۰/۸۸۷) و (-۱/۰۰۵) و آماره‌های t آن (۸/۸۲۱) و (۹/۳۷۷) بزرگ‌تر از مقدار ۱/۹۶ بوده که حاکی از وجود رابطه منفی معنادار بین اثربخشی کمیته حسابداری و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها می‌باشد. بر این اساس، فرضیه اول پژوهش رد نمی‌شود. همچنین، نتایج نشان می‌دهد که آماره t مربوط به متغیر اثر تعاملی اثربخشی کمیته حسابداری و استراتژی رهبری هزینه (۳/۱۷۷) بزرگ‌تر از مقدار ۱/۹۶ بوده و ضریب مسیر آن نیز (-۰/۶۰۴) منفی به‌دست آمده است. بدین ترتیب، فرضیه دوم تحقیق در سطح خطای ۵ درصد رد نمی‌شود.

علاوه بر این، نتایج نشان می‌دهد که آماره t مربوط به متغیر اثر تعاملی اثر بخشی کمیته حسابرسی و استراتژی تمایز (۳/۲۴۸) بزرگ‌تر از مقدار ۱/۹۶ بوده و ضریب مسیر آن نیز (۰/۷۰۲) مثبت به دست آمده است. بدین ترتیب، فرضیه سوم تحقیق نیز در سطح خطای ۵ درصد رد نمی‌شود.

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهاد

باتوجه به گسترش دامنه نظارت کمیته حسابرسی به حوزه‌های پیچیده و ریسک‌پذیری نظیر مسائل مالیاتی، اهمیت اثر بخشی کمیته حسابرسی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. از این‌رو در پژوهش حاضر رابطه بین اثر بخشی کمیته حسابرسی با میزان اجتناب مالیاتی شرکت‌ها و همچنین اثر تعدیلی استراتژی تجاری بر رابطه بین آن‌ها مورد بررسی قرار گرفت. نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش حاکی از آن است که اثر بخشی کمیته حسابرسی باعث کاهش اجتناب مالیاتی شرکت می‌شود. در خصوص تایید فرضیه فوق، می‌توان چنین استدلال نمود که در شرکت‌های دارای کمیته حسابرسی اثر بخش، با کاهش هزینه نمایندگی و تشویق شرکت‌ها و مدیران آن‌ها به افشای بهتر اطلاعات، مسائل نمایندگی کاهش می‌یابد. به‌طوریکه، هرچه مسائل نمایندگی کمتر باشد، مدیران این شرکت‌ها انگیزه کمتری برای اعمال رفتار فرصت‌طلبانه و در نتیجه اجتناب مالیاتی دارند. نتیجه بدست آمده در این تحقیق با یافته‌های پژوهش ژنگ و همکاران (۲۰۱۹) و هسو و همکاران (۲۰۱۸) مبنی بر وجود رابطه منفی بین اثر بخشی کمیته حسابرسی و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها، مطابقت دارد.

از سوی دیگر کمیته‌های حسابرسی اثر بخش با درک مناسب از استراتژی تجاری شرکت بر مسائل گوناگون موجود در شرکت نظارت می‌کنند و اعتقاد بر این است که کمیته‌های حسابرسی اثر بخش در هنگام نظارت و ارزیابی بر مسائلی نظیر برنامه‌ریزی مالیاتی، استراتژی تجاری اتخاذ شده از سوی شرکت را نیز در نظر بگیرند. لذا در فرضیه دوم و سوم پژوهش، اثر تعدیلی استراتژی تجاری با توجه به دو معیار آن یعنی رهبری هزینه و تمایز، بر رابطه بین اثر بخشی کمیته حسابرسی و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از آزمون این فرضیه‌ها نشان می‌دهد که استراتژی رهبری هزینه (تدافعی)، بر رابطه بین اثر بخشی کمیته حسابرسی و اجتناب مالیاتی اثرگذار بوده و رابطه منفی بین آن‌ها را تشدید می‌کند. همچنین استراتژی تمایز (تهاجمی)، بر رابطه بین اثر بخشی کمیته حسابرسی و اجتناب مالیاتی اثرگذار بوده و رابطه منفی بین آن‌ها را تضعیف می‌کند. عبارتی دیگر مدیران شرکت‌های مدافع در مقایسه با مدیران شرکت‌های آینده‌نگر تمایل بیشتر به نادیده گرفتن فرصت‌های اجتناب مالیاتی دارند، درحالیکه آینده‌نگران بیشتر به دنبال انجام رفتارهای متهورانه‌تر مالیاتی از جمله رفتارهای مالیاتی پریسک و نامطمئن هستند. هسو و همکاران (۲۰۱۸) نیز در پژوهش‌های خود به نتایج مشابهی دست یافتند و اذعان داشتند که استراتژی تجاری، رابطه منفی بین اثر بخشی کمیته حسابرسی و اجتناب مالیاتی را تعدیل می‌کند. به‌طور کلی، یافته‌های این مطالعه ضمن تایید نتایج مطالعات قبلی اذعان دارد که استراتژی‌های تجاری شرکت‌ها تأثیر بسزایی در اتخاذ

نقش‌های نظارتی و مشاوره‌ای از سوی کمیته حسابرسی اثربخش در بحث برنامه‌ریزی مالیاتی دارد. بنابراین، یافته‌های این پژوهش کمک شایانی به درک مطلوب چگونگی نظارت اعضای کمیته حسابرسی بر فرایند برنامه‌ریزی مالیاتی می‌کند.

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، از آنجا که اثربخشی کمیته حسابرسی عاملی برای محدود نمودن رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران در فعالیت‌های اجتناب مالیاتی شرکت محسوب می‌شود، لذا به هیئت‌مدیره شرکت‌های بورسی پیشنهاد می‌شود که از طریق تدوین خط‌مشی مناسب، بسترهای لازم برای تشکیل کمیته‌های حسابرسی اثربخش در شرکت را فراهم نمایند. علاوه بر این، نظر به اینکه استراتژی‌های تجاری درک کمیته‌های حسابرسی اثربخش در هنگام نظارت و ارزیابی بر مسائلی نظیر برنامه‌ریزی مالیاتی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، به سرمایه‌گذاران و فعالان بازار سرمایه پیشنهاد می‌گردد که در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی خود، نوع استراتژی‌های تجاری شرکت را نیز مدنظر قرار دهند. همچنین بر اساس نتایج فرضیه دوم و سوم، به مجمع عمومی صاحبان سهام شرکت‌ها پیشنهاد می‌گردد که با ایجاد کمیته‌های حسابرسی اثربخش، به‌ویژه در شرکت‌های دارای استراتژی تمایز (تهاجمی)، میزان اجتناب مالیاتی را کاهش دهند. در ادامه، برخی از موضوع‌های مهمی که می‌توانند در پژوهش‌های آتی مورد بررسی قرار گیرند عبارتند از:

- ۱- بررسی تأثیر سطح مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت بر رابطه بین اثربخشی کمیته حسابرسی و اجتناب مالیاتی.

۲- بررسی تأثیر استراتژی تجاری شرکت بر اثربخشی کمیته حسابرسی.

۳- بررسی تأثیر نظارت خارجی بر رابطه بین اثربخشی کمیته حسابرسی و اجتناب مالیاتی شرکت.

۶- فهرست منابع

الف- منابع فارسی:

۱. اعرابی، سید محمد و رضوانی، حمیدرضا. (۱۳۸۶). رابطه هماهنگی استراتژیک بین استراتژی سطح کسب‌وکار و استراتژی بازاریابی با عملکرد سازمانی: پژوهشی درباره شرکت‌های دارویی ایران، فصلنامه علوم مدیریت ایران، ۵، ۷۱-۹۷.
۲. آقای، محمد علی؛ حسنی، حسن؛ اسدی، زینب. (۱۳۹۵). اهمیت محیط اطلاعات داخلی برای اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش‌های حسابداری مالی، ۸(۴)، ۱۷-۳۶.
۳. تختائی، نصرالله؛ تمیمی، محمد؛ موسوی، زهرا. (۱۳۹۰). نقش کمیته حسابرسی در کیفیت گزارشگری مالی. حسابدار رسمی، ۴۵، ۴۵-۵۶.
۴. تنانی، محسن؛ محب‌خواه، محمد. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین استراتژی کسب و کار با کیفیت سود و بازده سهام در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۴(۱)، ۱۰۵-۱۲۷.
۵. خواجوی، شکراله؛ کیامهر، محمد. (۱۳۹۵). مدل‌سازی اجتناب مالیاتی با استفاده از اطلاعات حسابداری: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران. دانش حسابداری، ۷(۲۵)، ۷۹-۱۰۰.
۶. داوری، علی و رضازاده، آرش. (۱۳۹۳). مدل‌سازی معادلات ساختاری با نرم‌افزار PLS. چاپ دوم، انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران.
۷. داداشی، ایمان؛ نوروزی، محمد. (۱۳۹۷). ارائه مدلی برای تبیین اثربخشی کمیته حسابرسی و کیفیت

۸. حسابرسی مبتنی بر معادلات ساختاری. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۸(۲)، ۲۵۱-۲۷۲.
۹. دیاتنی دیلمی، زهرا؛ بنی‌مهد، بهمن؛ روستایی دره میانه، الهام. (۱۳۹۴). رابطه بین استراتژی تجاری شرکت و سطح اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهشنامه مالیات، ۲۳(۲۵)، ۱۲۵-۱۵۶.
۹. رضایی پیته‌نوئی، یاسر، صفری گرایلی، مهدی، نوروزی، محمد. (۱۳۹۸). مدل‌بندی نقش تعدیلی حاکمیت شرکتی بر رابطه بین اعتماد اجتماعی و اجتناب مالیاتی، پژوهش‌های تجربی حسابداری، پذیرفته شده و در دست چاپ.
۱۰. سازمان بورس اوراق بهادار، (۱۳۹۱). منشور کمیته حسابرسی ناشران پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران.
۱۱. صفری گرایلی مهدی؛ پودینه شیوا. (۱۳۹۵). اجتناب مالیاتی و به موقع بودن اعلان سود: آزمون تجربی از بورس اوراق بهادار تهران. پژوهشنامه مالیات، ۲۴(۳۱)، ۱۰۱-۱۱۸.
۱۲. صفری گرایلی، مهدی، رضایی پیته‌نوئی، یاسر، نوروزی، محمد. (۱۳۹۶). ارائه مدلی برای تبیین اثربخشی کمیته حسابرسی و محتوای ارزشی اطلاعات حسابداری. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۶(۲۴)، ۱-۱۲.
۱۳. ضیایی بیگدلی، محمدتقی؛ طهماسبی بلداجی، فرهاد. (۱۳۸۳). مالیات بر ارزش افزوده مالیاتی مدرن، چاپ اول، پژوهشکده امور اقتصادی، تهران.
۱۴. علوی، سعید مصطفی؛ قائمی، محمدحسین. (۱۳۹۶). آسیب شناسی کمیته‌های حسابرسی. دانش حسابرسی، ۱۷(۶۸)، ۱۲۷-۱۴۷.
۱۵. فخاری، حسین؛ محمدی، جواد؛ حسن نتاج کردی، محسن. (۱۳۹۴). بررسی اثر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر مدیریت سود از طریق ارقام واقعی. مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۲(۴۶)، ۱۳۰-۱۵۴.
۱۶. فخاری، حسین؛ رضایی پیته‌نوئی، یاسر. (۱۳۹۶). تأثیر تخصص مالی کمیته حسابرسی بر محیط اطلاعاتی شرکت. دانش حسابداری، ۸(۳)، ۸۱-۱۱۲.
۱۷. فخاری، حسین، رضایی پیته‌نوئی، یاسر. (۱۳۹۷). تأثیر کمیته حسابرسی بر محیط اطلاعاتی شرکت. حسابداری مدیریت، ۱۱(۳۶)، ۶۳-۷۹.
۱۸. محمدپور، مسعود و محمد شهرابی، (۱۳۹۳)، سازو کار کمیته حسابرسی، حسابدار، شماره ۲۶۵.
۱۹. محمدیان، محمد (۱۳۹۰). نقش و روابط حسابرس، کمیته حسابرسی و هیئت مدیره در پاسخگویی به سهامداران، حسابرس، سال سیزدهم، شماره ۵۶.
۲۰. مشایخی، بیتا، علی‌پناه، صبری. (۱۳۹۴). تأثیر راهبری شرکتی بر رابطه بین اجتناب از مالیات و ارزش شرکت. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۷(۳۵)، ۵۵-۷۰.
۲۱. ودیعی نوقابی محمدحسین، نوروزی محمد، قدرتی زوارم عباس، تیمورپور سهیلا. (۱۳۹۸). بررسی نقش تعدیل گر کیفیت حسابرسی بر ارتباط بین اثربخشی کمیته حسابرسی و مدیریت سود. دانش حسابرسی، ۱۹(۷۴)، ۱۰۷-۱۲۶.

ب- منابع انگلیسی:

1. Abdullah A, M., Qaiser, R.Y., Ashikur, R., Ananda, W., & Thurai, M, N. (2014). Relationship between Audit Committee characteristics, external auditors and economic value added (EVA) of Public listed firms in Malaysia. Corporate Ownership and Control, 12(1), 900-910.
2. Adams, R., & D. Ferreira. (2007). A theory of friendly boards. Journal of Finance, 62, 217- 250.
3. Ahmed Haji, A. (2015). The role of audit committee attributes in intellectual capital disclosures. Managerial Auditing Journal, 30(8/9), 756-784.
4. Aldamen, H., Hollindale, J., & Ziegelmayr, J. L. (2018). Female audit committee members and their influence on audit fees. Accounting and Finance, 58 (1), 57-89.
5. Amer, M., Aiman A. R., & Shehata, E. SH. (2014). Audit Committee Characteristics and Firm Performance: Evidence from Egyptian Listed Companies. Proceedings of 6th Annual

- American Business Research Conference, ISBN: 978-1-922069-52-8.
6. Armstrong, C., Blouin, J. L., Jagolinzer, A. D., & Larcker, D. F. (2015). Corporate governance, incentives, and tax avoidance. *Journal of Accounting and Economics*, 60(1), 1-17.
 7. Bansal, N., & Sharma, A. K. (2016). Audit committee, corporate governance and firm performance. *International Journal of Economics and Finance*; 8)3(, 103-116.
 8. Baysinger, B.D., & Hoskisson, R. E. (1990). The composition of boards of directors and strategic control: Effects of corporate strategy. *Academy of Management Review*, 15(1), 72-87.
 9. Bedard, J., Chtourou, S.M., & Courteau, L. (2004). The effect of audit committee expertise, independence, and activity on aggressive earnings management. *Journal of Practice & Theory*, 23(2), 13-35.
 10. Bentley-Goode, K. A., Omer, T. C., & Twdet, B. J. (2019). Does business strategy impact a firm's information environment? *Journal of Accounting Auditing and Finance*, 34(4) 563-587.
 11. Bernardi, R.A., Bean, D.F. & Weippert, K.M. (2002). Signaling Gender Diversity through Annual Report Pictures: A Research Note on Image Management. *Accounting, Auditing and Accountability Journal*, 15(4), 609-616.
 12. Blue Ribbon Committee. (1999). Report and recommendations of the Blue Ribbon Committee on Improving the Effectiveness of Corporate Audit Committees. *The Business Lawyer*, 54)2(, 1067-1095.
 13. Cadbury, A. (1992). Report on the Committee on the Financial Aspects of Corporate Governance, Gee, London.
 14. Carter, D., Simkins, B., & Simpson, W. (2003). Corporate governance, board diversity and firm value. *The Financial Review*, 38, 33-53.
 15. Chen, C., Guo, R., Hsiao, Y., & Chen, K. (2018). How business strategy in non-financial firms moderates the curvilinear effects of corporate social responsibility and irresponsibility on corporate financial performance. *Journal of Business Research*, 92(C), 154-167.
 16. Chen, S., Chen, X., Cheng, Q. & Shevlin, T. (2010). Are family firms more tax aggressive than nonfamily firms? *Journal of Financial Economics*, 95)1(, 41-61.
 17. Chen, X., Hu, N., Wang, X., & Tang, X. (2014). Tax avoidance and firm value: evidence from China. *Nankai Business Review International*, 2(1), 25-42.
 18. Chen, Y., Eshleman, J. D. & Soileau, J. S. (2016). 'Board Gender Diversity and Internal Control Weaknesses, *Advances in Accounting*', incorporating *Advances in International Accounting*, 33, 11-19.
 19. Deloitte LLP. (2013). Audit Committee Brief: Top issues for audit committees in 2014. Available at: <http://www.iasplus.com/en-us/publications/us/acb/2013/novemberdecember>.
 20. Deloitte LLP. (2014). Audit Committee Brief: What's on your agenda for 2015. Available at: <http://www.iasplus.com/en-us/publications/us/acb/2014/nov-dec>.
 21. Desai, M.A., and D. Dharmapala. (2006). Corporate tax avoidance and high-powered incentives. *Journal of Financial Economics*, 79 (1), 145-179.
 22. Dyreng, S., Hanlon, M., Maydew, E., & Thornock, J. (2017). Changes in corporate effective tax rates over the past 25 years. *Journal of Financial Economics*, 124)3(, 441-563.
 23. Fakhari, H., & Rezaei Pitenoei, Y. (2017). The Impact of Audit Committee and Its Characteristics on the Firms' Information Environment. *Iranian Journal of Management Studies*, 10(3), 577-608.
 24. Fama, E. F., and M.C. Jensen. 1983. Separation of ownership and control. *Journal of Law and Economics*, 26 (2), 301-325.
 25. Forbes, D. P., & Milliken, F. J. (1999). Cognition and corporate governance: Understanding boards of directors as strategic decision-making groups. *Academy of Management Review*, 24(3), 489-505.
 26. Fornell, C., & Larcker, D. F. (1981). Evaluating structural equation models with unobservable variables and measurement error. *Journal of Marketing Research*, 18(1), 39-50.
 27. Frank, M., Lynch, L., & Rego, S. (2009). Tax reporting aggressiveness and its relation to

- aggressive financial reporting, *The Accounting Review*, 84(2), 467-496.
28. Gaaya, S., Nadia, L. & Faten, L. (2017). Does family ownership reduce corporate tax avoidance? The moderating effect of audit quality. *Managerial Auditing Journal*, 32(7), 731-744.
 29. Gallemore, J., & Labro, E. (2015). The importance of the internal information environment for tax avoidance, *Journal of Accounting and Economics*, 60, 149-167.
 30. Gul, F. A., Srinidhi, B., & Ng, A. C. (2011). Does gender diversity improve the informativeness of stock prices? *Journal of Accounting and Economics*, 51(3), 314-38.
 31. Habib, A., & Azim, I. (2008). Corporate governance and the value relevance of accounting Information. *Accounting Research Journal*, 21(2), 167-194.
 32. Higgins, D., Omer, T., & Phillips, J. (2015). The influence of a firm's business strategy on its tax aggressiveness. *Contemporary Accounting Research*, 32 (2), 674-702.
 33. Hsu, P., Moore, J. A., & Neubaum, D.O. (2018). Tax avoidance, financial experts on the audit committee, and business strategy. *Journal of Business Finance & Accounting*. Volume 45, 9(10)1293-1321.
 34. Hulland, J. (1999). Use of partial least squares (PLS) in strategic management research: A review of four recent studies. *Strategic Management Journal*, 20(2), 195-204.
 35. James, A.C. & Scott, D.W. (2014). The Association between Agency Conflict and Tax Avoidance: A Direct Approach, *Advances in Taxation*, *Advances in Taxation*, 21, 107 – 138.
 36. Jeffrey, R. C., Lisa, M. G., Genesh, K., & Arnold, M. W. (2011). The impact on auditor judgments of CEO influence on audit committee independence. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 30(4), 129-147.
 37. Jemison, D., & Oakley, P. (1983). Corporate governance in mutual insurance companies. *Journal of Business Research*, 11 (4), 501-522.
 38. Kalbers, L. P., & Fogarty, T. J. (1993). Audit committee effectiveness: An empirical investigation of the contribution of power. *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 12(1), 24-49.
 39. Klein, A. (2002). Audit committee, board of director characteristics, and earnings management. *Journal of the Accounting and Economics*, 33, 375-400.
 40. KPMG, LLP. (2015). Global Audit Committee Survey. Available at: <https://boardleadership.kpmg.us/relevant-topics/articles/2015/01/2015-globalaudit-committee-survey.html>.
 41. KPMG, LLP. (2017). Is everything under control? 2017 Global Audit Committee Pulse Survey. Available at: <https://boardleadership.kpmg.us/relevanttopics/articles/2017/01/2017-global-audit-committee-pulse-survey.html>.
 42. Lanis, R., & Richardson, G. (2011). The effect of board of director composition on corporate tax aggressiveness, *Journal of Accounting and Public Policy*, 30(1), 50-70.
 43. Lanis, R., & Richardson, G. (2012). Corporate social responsibility and tax aggressiveness: an empirical analysis, *Journal of Accounting and Public Policy*, 31(1), 86-108.
 44. Lee, J., Lim, C. Y., & Lobo, G. J. (2016). Relation between Auditor Quality and Corporate Tax Aggressiveness: Implications of Cross-Country Institutional Differences, *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 35(4), 105-135.
 45. Levin, J.S., Taylor, R.J., & Chatters, L.M. (1993). Race and gender differences in religiosity among older adults: Findings from four national surveys. *The Journal of Gerontology*, 49(3), 137-145.
 46. Lin, J.W., & Hwang, M.I. (2010). Audit quality, corporate governance, and earnings management: a meta-analysis. *International Journal of Auditing*, 14 (1), 57-77.
 47. Lin, S., Tong, N., & Tucker, A. (2014). Corporate tax aggression and debt, *Journal of Banking and Finance*, 40(1), 227-241.
 48. Menon, K., & Williams, J. D. (1994). The use of audit committees for monitoring. *Journal of Accounting and Public Policy*: 13(2), 121-139.
 49. Miles, R.E., C.C. Snow, A.D. Meyer, & Coleman, H.J. (1978). Organizational strategy, structure, and process. *Academy of Management Review*, 3(3), 546-562.

50. Miles, R. E., & Snow, C. C., (1978). *Organizational strategy, structure and process*. New York: McGraw-Hill.
51. Miller, D. (1987). The structural and environmental correlates of business strategy. *Strategic Management Journal*, 8(1), 55-76.
52. Minnick, K. & Noga, T. (2010). Do corporate governance characteristics influence tax management? *Journal of Corporate Finance*, 16(5), 703-718.
53. Mizruchi, M. S. (1983). Who controls whom? An explanation of the relation between management and boards of directors in large American corporations. *Academy of Management Review*, 8(3), 426-435.
54. Porter, M. E. (1996). "What is strategy?" *Harvard Business Review*, 74(6), 61-78.
55. Porter, M. E. (1980). *Competitive strategy: Techniques for analyzing industries and competitors*. New York: The Free Press.
56. Powell, M., & Anisc, D. (1997). Gender differences in risk behavior. *Journal of Economic Psychology*. 18(6), 605-628.
57. Pucheta-Martinez, M.C. & De Fuentes, C. (2007). The impact of audit committee characteristics on the enhancement of the quality of financial reporting: An empirical study in the Spanish context. *Corporate Governance: An International Review*, 15(6), 1394-1412.
58. Rego, S.O., & Wilson, R. (2012). Equity risk incentives and corporate tax aggressiveness. *Journal of Accounting Research*, 50 (3), 775-810.
59. Richardson, G., G. Taylor, & Lanis, R. (2013). The impact of board of director oversight characteristics on corporate tax aggressiveness: An empirical analysis. *Journal of Accounting and Public Policy*, 32(3): 68-88.
60. Rittenberg, L., & Nair, R. (1994). *Improving the Effectiveness of Audit Committees*, Institute of Management Accountants: USA.
61. Treadway Commission. (1987). *Report of the national commission on fraudulent financial reporting*. Washington, DC: National Commission on Fraudulent Financial Reporting.
62. Wang, M. C., Lee, M. H., & Chuang, J. J. (2016). Relations among audit committee establishment, information transparency and earnings quality: Evidence from simultaneous equation models. *Quality & Quantity*, 50(6), 2417-2431.
63. Weir, C. M. & Laing, D. (2001). Governance structures, director independence and corporate performance in the UK. *European Business Review*, 13(2), 86-94.
64. Weisbach, M. S. (1988). Outside directors and CEO turnover. *Journal of Financial Economics*, 20, 431- 460.
65. Wilson, R. (2009). An examination of corporate tax shelter participants, *The Accounting Review*, 84(3), 969-999.
66. Xia, C., Cao, C., & Chan, K. C. (2017). Social trust environment and firm tax avoidance: Evidence from China. *The North American Journal of Economics and Finance*, 42, 374-392.
67. Yamakawa, Y., Yang, H., & Lin, Z. (2011). Exploration versus exploitation in alliance portfolio: Performance implications of organizational, strategic, and environmental fit. *Research Policy*, 40(2), 287-296.
68. Zahra, S. A., & J. A. Pearce, II. (1990). Research evidence on the Miles-Snow typology. *Journal of Management*, 16(4), 751-786.
69. Zahra, S. A., & J. A. Pearce II. (1989). Boards of directors and corporate financial performance: A review and integrative model. *Journal of Management*, 15(2), 291-334.
70. Zhang, Y., Zhou, J., & Zhou, N. (2007). Audit committee quality, auditor independence, and internal control weaknesses. *Journal of Accounting and Public Policy*, 26(3), 300-327.
71. Zheng, T., Jiang, W., Zhao, P., Jiang, J., & Wang, N. (2019) Will the Audit Committee Affects Tax Aggressiveness? In: Xu J., Cooke F., Gen M., Ahmed S. (Eds) *Proceedings of the Twelfth International Conference on Management Science and Engineering Management. ICMSEM 2018. Lecture Notes on Multidisciplinary Industrial Engineering*. Springer, Cham.